

کلان فز

ماهنامه اقتصاد کلان ایران

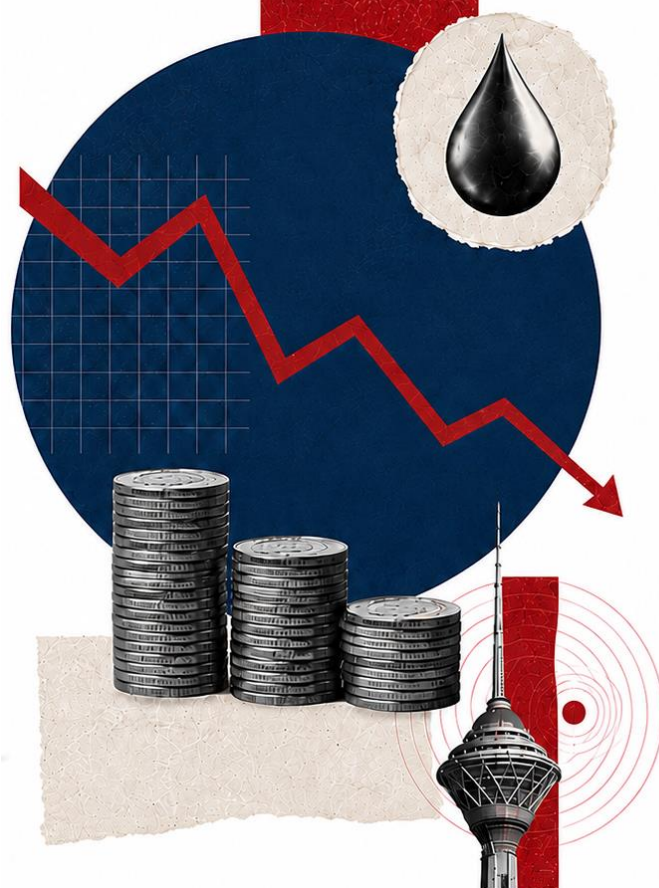
معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

شماره ۱



تهران، پایتخت تجارت ایران
Tehran, Iran's Trade Capital

شناسنامه



کلان نگر

ماهنامه اقتصاد کلان ایران

ناشر: معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

دبیر تحریریه: فاطمه علیزاده آغاسمعیلی

تاریخ انتشار: مرداد ۱۴۰۵

شماره انتشار: ۱

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE



فهرست

رشد اقتصادی

- ۵.....رشد نزدیک به صفر؛ اقتصاد ایران در سایه تحریم و جنگ
۷.....تله رشد پایین؛ میانگین یک درصدی رشد اقتصادی در ۱۳ سال
۸.....رشد اقتصادی جهان

بازار پول

- ۱۰.....رشد نقدینگی و پایه پولی؛ ریسک تشدید تورم در سال ۱۴۰۵

شاخص قیمت مصرف‌کننده

- ۱۳.....موج‌های تورمی؛ اقتصاد ایران در گرداب بی‌ثباتی قیمت‌ها
۱۵.....تورم نقطه‌به‌نقطه در اوج؛ خوراکی‌ها در کانون فشارهای تورمی
۱۶.....بررسی تواتر تجربه تورم ایران
۱۷.....ایران در میان بالاترین نرخ‌های تورم جهان

تامین مالی

- ۱۸.....تأمین مالی بنگاه‌ها زیر سایه بانک‌ها؛ عقب‌نشینی بازار سرمایه
۱۹.....تامین مالی بازار پول؛ تسهیلات پرداختی
۲۰.....تامین مالی بازار سرمایه - جذب و تجهیز منابع و اوراق بدهی

تجارت

- ۲۲.....صادرات ارزان‌تر در برابر واردات گران‌تر

بازار کار

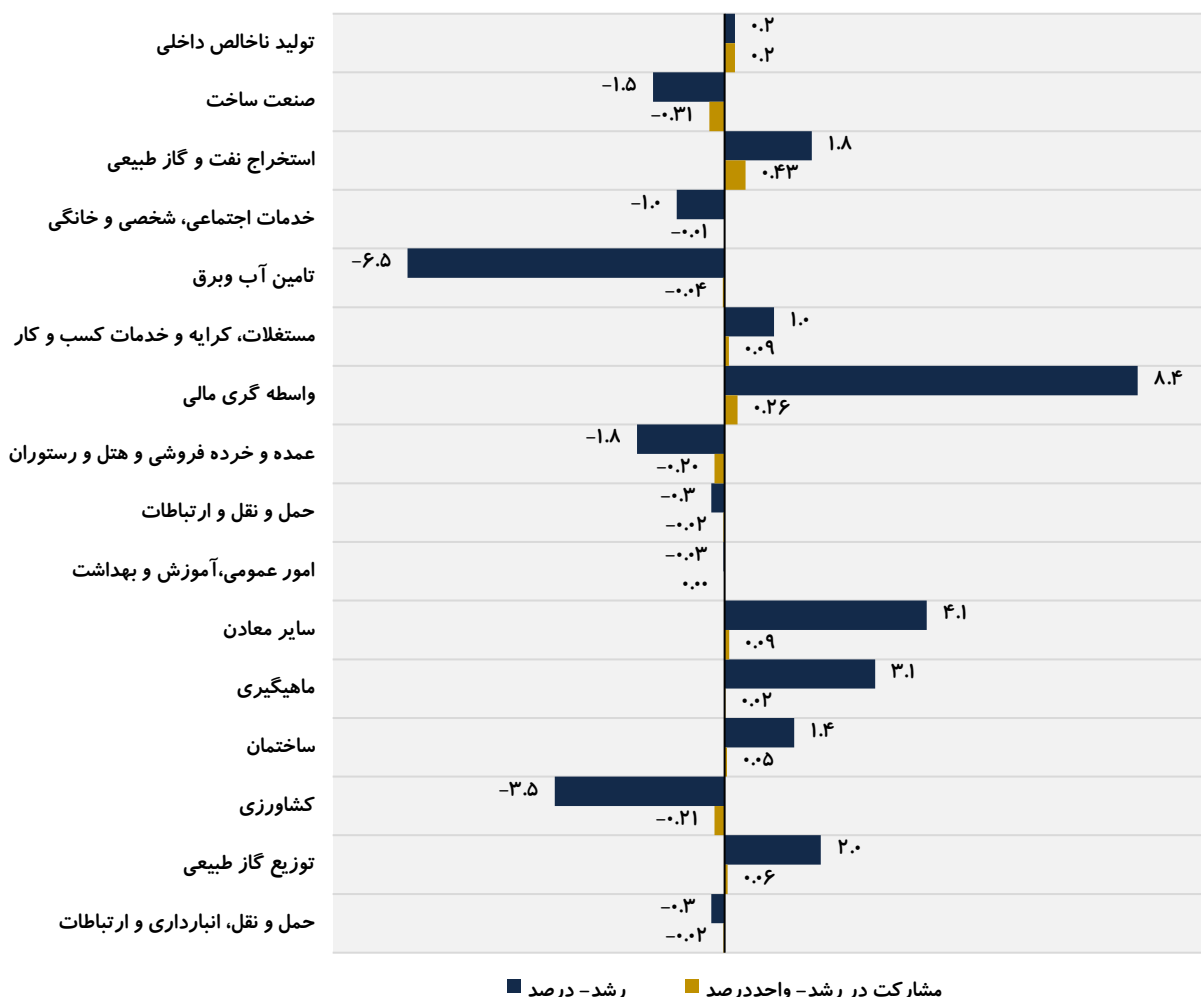
- ۲۴.....بازار کار در تنگنای جنگ؛ هم‌زمانی جهش بیکاری و افت مشارکت اقتصادی
۲۵.....سهم نابرابر زنان و مردان از فشارهای بازار کار
۲۶.....ترکیب اشتغال بر حسب بخش‌های اقتصادی



رشد اقتصادی کشور در سال ۱۴۰۴ بر مبنای قیمت‌های ثابت سال ۱۴۰۰ معادل ۰/۲ درصد برآورد شده است. بررسی اجزای این رشد نشان می‌دهد ۰/۴۳ درصد از رشد محقق شده ناشی از افزایش ارزش افزوده بخش نفت بوده و این بخش بیشترین نقش را در تحقق رشد اقتصادی سال مذکور ایفا کرده است به‌طوری‌که رشد اقتصادی بدون نفت وارد محدوده منفی شده است (منفی ۰/۳ درصد).

مهم‌ترین عامل مسلط در رشد اقتصادی سال ۱۴۰۴ از منظر رشته فعالیت‌های اقتصادی به ترتیب اهمیت شامل نفت، واسطه‌گری‌های مالی، سایر معادن (معادن بدون نفت) و مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار با مجموع مشارکت ۱/۲ واحد درصد بوده است. در مقابل، در میان رشته فعالیت‌های اقتصادی، صنعت ساخت، کشاورزی و عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، هتل و رستوران با مجموع مشارکت منفی ۰/۷۲ واحد درصد، بیشترین اثر کاهنده را بر رشد اقتصادی سال ۱۴۰۴ بر جای گذاشته‌اند.

رشد اقتصادی سال ۱۴۰۴ به تفکیک رشته فعالیت‌های اقتصادی به قیمت‌های ثابت ۱۴۰۰



منبع داده‌ها: مرکز آمار و محاسبات کارشناسی



عملکرد بخش‌های مختلف اقتصاد در سال ۱۴۰۴ حاکی از تداوم ضعف در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی است. در این سال، گروه کشاورزی با ثبت رشد منفی ۲/۹ درصدی، کاهش قابل‌توجهی در سطح تولید را تجربه کرد.



در گروه صنعت نیز رشد ۰/۵ درصدی به ثبت رسید، اما عملکرد زیربخش‌های آن یکسان نبود؛ به‌گونه‌ای که استخراج نفت و گاز طبیعی و سایر معادن به‌ترتیب رشد ۱/۸ و ۴/۱ درصدی را تجربه کردند، در حالی که بخش صنعت با رشد منفی ۱/۵ درصد و تأمین آب و برق با رشد منفی ۶/۵ درصد مواجه شدند. همچنین بخش ساختمان با رشد ۱/۴ درصدی و توزیع گاز طبیعی با رشد ۲ درصدی عملکردی مثبت داشتند.



بررسی تحولات ارزش افزوده بخش خدمات نیز نشان می‌دهد که این بخش در مجموع رشد محدود ۰/۳ درصدی را تجربه کرده است؛ با این حال، عملکرد زیربخش‌های خدماتی از ناهمگونی قابل‌توجهی برخوردار بوده است. در این میان، ارزش افزوده گروه عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، هتل و رستوران با رشد منفی ۱/۸ درصدی، بیشترین کاهش را در میان فعالیت‌های خدماتی ثبت کرده است. در مقابل، گروه واسطه‌گری‌های مالی با رشد ۸/۴ درصدی، بالاترین رشد ارزش افزوده را به خود اختصاص داده است.



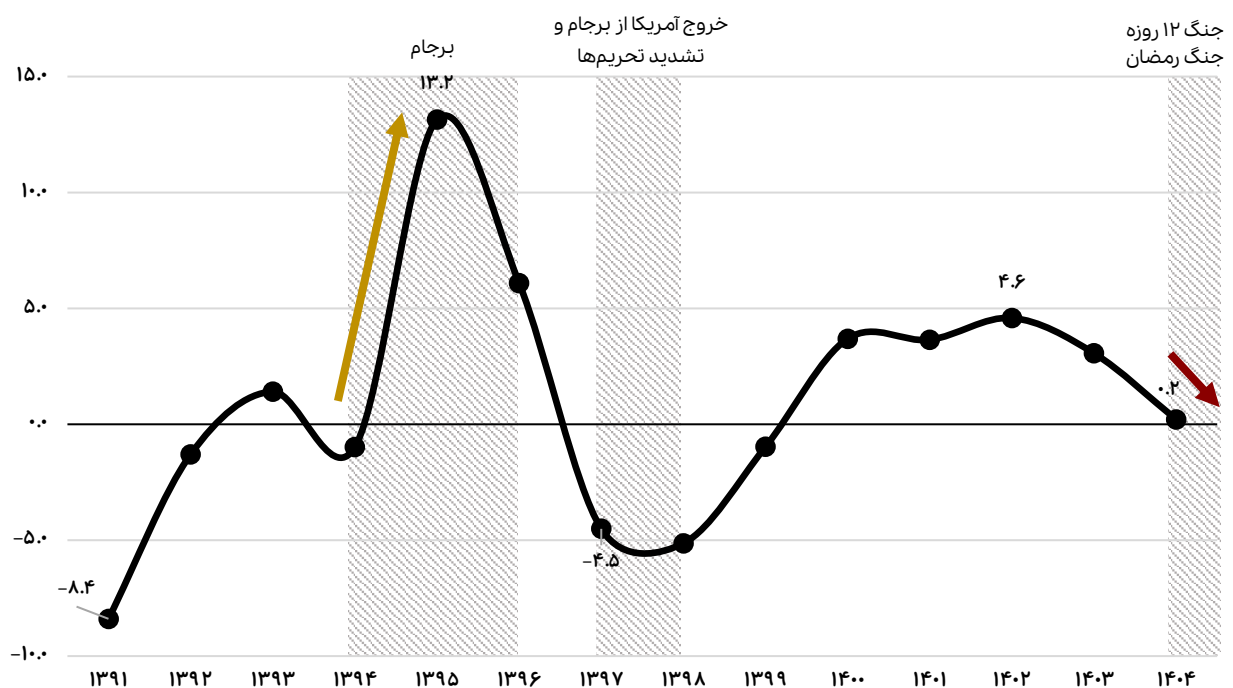
درمجموع، اقتصاد کشور در سالی که گذشت، رشدی نزدیک به صفر را تجربه کرده است؛ به این معنا که با وجود به‌کارگیری منابعی نظیر نیروی کار، سرمایه و منابع طبیعی، افزایش محسوسی در ارزش‌افزوده و ثروت ملی ایجاد نشده است. از این‌رو، رشد اقتصادی نزدیک به صفر، علاوه بر توقف فرآیند ثروت‌آفرینی، بیانگر بهره‌وری پایین و استفاده غیربهرینه از منابع اقتصادی است. شواهد موجود بیانگر آن است که رشد اقتصادی کشور در سال ۱۴۰۴، هرچند از محل بهبود عملکرد بخش نفت و برخی فعالیت‌های معدنی تا حدی تقویت شده، اما تحت تأثیر کاهش تولید در بخش کشاورزی، رکود در بخش صنعت و ضعف عملکرد برخی زیربخش‌های خدمات قرار داشته است. از این‌رو، ساختار رشد اقتصادی در این سال بیش از آنکه بر پایه بهبود فراگیر فعالیت‌های اقتصادی استوار باشد، متکی بر عملکرد محدود چند بخش خاص بوده و از عدم توازن میان بخش‌های مختلف اقتصاد حکایت دارد.

متوسط رشد اقتصادی کشور طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۴ حدود یک درصد برآورد می‌شود. پس از تشدید محدودیت‌های تحریمی در ابتدای دهه ۱۳۹۰، اقتصاد ایران با انقباض قابل توجهی مواجه شده و نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۱ به منفی ۸/۴ درصد رسید.

با اجرای برجام و کاهش بخشی از محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، شرایط برای بهبود فعالیت‌های اقتصادی، به‌ویژه در بخش نفت، فراهم شد و رشد اقتصادی در مسیر صعودی قرار گرفت. نقطه اوج این دوره در سال ۱۳۹۵ رقم خورد؛ به‌طوری‌که نرخ رشد اقتصادی با افزایشی حدود ۱۴/۲ واحد درصد نسبت به سال قبل، به ۱۳/۲ درصد رسید. با این حال، این روند پایدار نماند و پس از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها، اقتصاد کشور بار دیگر با افت فعالیت‌های اقتصادی مواجه شد؛ به‌گونه‌ای که رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۷ به منفی ۴/۵ درصد رسید.

پس از تجربه رشدهای منفی در سال‌های پایانی دهه ۱۳۹۰، اقتصاد ایران از ابتدای دهه ۱۴۰۰ مجدداً به محدوده رشد مثبت بازگشت؛ هرچند نرخ‌های ثبت‌شده به‌مراتب پایین‌تر از جهش رشد سال ۱۳۹۵ بوده است. در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴، بالاترین نرخ رشد در سال ۱۴۰۲ و معادل ۴/۶ درصد به ثبت رسیده است. در سال ۱۴۰۴، هم‌زمان با تشدید ناترازی انرژی، قطعی برق، کمبود گاز و تعطیلی برخی واحدهای صنعتی، وقوع جنگ ۱۲ روزه جنگ رمضان نیز به مجموعه عوامل تهدیدکننده رشد اقتصادی کشور افزوده شد. در مجموع، بررسی روند رشد اقتصادی کشور، نشان می‌دهد که عملکرد رشد اقتصادی ایران در دوره‌های کاهش یا رفع تحریم‌ها به‌مراتب مطلوب‌تر از دوره‌های تشدید محدودیت‌های تحریمی بوده است.

رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۴ - درصد



منبع داده‌ها: مرکز آمار و محاسبات کارشناسی

صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۵ را منفی ۵/۴ درصد پیش‌بینی کرده است.



نظرات متفاوت اما همسوی دو نهاد صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در رابطه با انتظار کاهش سرعت رشد اقتصادی؛

بر اساس آخرین برآوردهای صندوق بین‌المللی پول، رشد اقتصاد جهانی در سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ به ترتیب ۳ و ۳/۴ درصد پیش‌بینی شده است. همچنین بر اساس برآورد بانک جهانی رشد اقتصادی در سال‌های مزبور به ترتیب ۲/۵ و ۲/۸ گزارش شده است.

♦ چشم‌انداز رشد اقتصاد جهانی؛ برآورد صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷- درصد

بانک جهانی	صندوق بین‌المللی پول
۲۰۲۶ ۲/۵	۲۰۲۶ ۳
۲۰۲۷ ۲/۸	۲۰۲۷ ۳/۴

فناوری، سپر کاهش رشد اقتصاد جهانی؛

بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، کاهش نسبی رشد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۶ عمدتاً متأثر از پیامدهای جنگ در خاورمیانه خواهد بود؛ با این حال این رشد حاصل برآیند دو نیروی متضاد است؛ به‌گونه‌ای که آثار کاهنده تنش‌های ژئوپلیتیکی و اختلالات تجاری، تا حد زیادی با افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و رشد فعالیت‌های فناورانه خنثی شده‌اند.

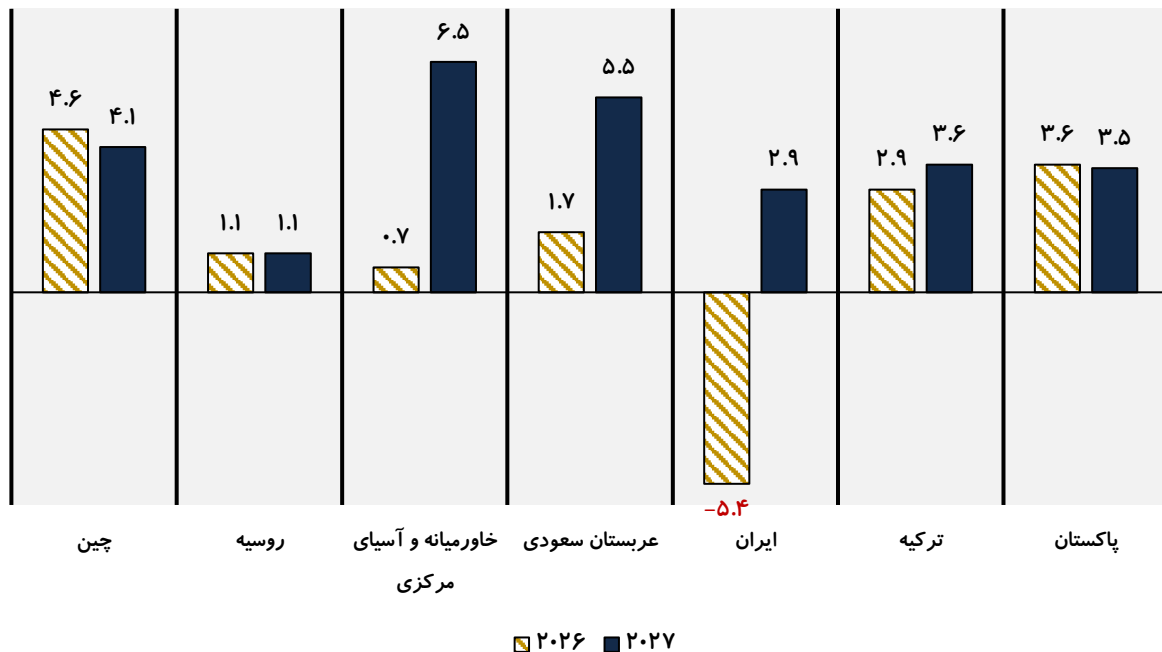
تفاوت چشم‌انداز رشد اقتصادها بر اساس مواجهه با جنگ و جایگاه آن در زنجیره ارزش فناوری؛

شدت تأثیر این تحولات در میان کشورها یکسان نیست و به میزان مواجهه آن‌ها با درگیری‌های منطقه‌ای و جایگاهشان در زنجیره ارزش فناوری بستگی دارد.

کشورهای صادرکننده انرژی که خارج از کانون درگیری‌های نظامی قرار دارند، به دلیل بهبود شرایط مبادله (بهبود نسبت قیمت کالاهای صادراتی به وارداتی) و افزایش درآمدهای حاصل از صادرات انرژی، از چشم‌انداز رشد مطلوب‌تری برخوردار خواهند بود. همچنین، اقتصادهایی که در زنجیره ارزش جهانی فناوری جایگاه مناسبی دارند حتی در صورت وابستگی به واردات انرژی، ظرفیت حفظ یا تقویت رشد اقتصادی خود را خواهند داشت. در مقابل، اقتصادهای واردکننده انرژی که حضور محدودی در زنجیره ارزش فناوری دارند، با کاهش شتاب فعالیت‌های اقتصادی مواجه می‌شوند؛ وضعیتی که به دلیل محدودیت منابع مالی، ظرفیت پایین جذب فناوری و آسیب‌پذیری بالا در برابر شوک‌های خارجی، آثار آن شدیدتر خواهد بود.



پیش‌بینی رشد اقتصادی کشورهای منتخب طی سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ - درصد



منبع داده‌ها: International Monetary Fund (IMF)

پیام سیاستی

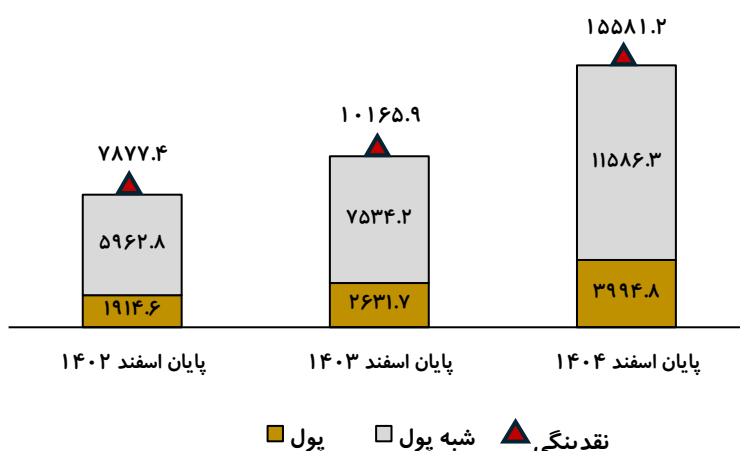
بررسی شواهد و آمارهای داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که دستیابی به رشد اقتصادی پایدار در ایران، مستلزم تقویت تعاملات اقتصادی با جهان و بهره‌گیری از سرمایه، فناوری و بازارهای بین‌المللی است. در شرایط کنونی، چنانچه روند پایان جنگ به دستیابی به یک توافق جامع، بهبود روابط خارجی کشور و شکل‌گیری توازن پایدار در تعامل با قدرت‌های شرق و غرب، همراه با اصلاحات مؤثر در نظام حکمرانی اقتصادی منجر شود، زمینه برای بازسازی سریع‌تر خسارت‌های ناشی از جنگ و ارتقای ظرفیت‌های تولیدی اقتصاد فراهم خواهد شد. در چنین شرایطی، افزایش سرمایه‌گذاری، تسهیل انتقال فناوری و بهبود فضای کسب‌وکار می‌تواند اقتصاد ایران را در مسیر رشد پایدار و توسعه بلندمدت قرار دهد. در مقابل، عدم دستیابی به توافق و تداوم تنش‌های سیاسی و اقتصادی، خطر تشدید محدودیت‌های بین‌المللی، افزایش نااطمینانی و حتی بازگشت درگیری‌های نظامی را به همراه خواهد داشت. تداوم این وضعیت می‌تواند با تضعیف سرمایه‌گذاری، کاهش تولید، تشدید نوسانات بازار ارز، افزایش فشارهای تورمی و گسترش فقر، اقتصاد کشور را در چرخه‌ای از بحران‌های متوالی و فرساینده قرار دهد.



در پایان سال ۱۴۰۴، رقم نقدینگی کشور با افزایش ۵۳/۳ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۳ به ۱۵ هزار و ۵۸۱ همت (هزار میلیارد تومان) رسید که عامل مسلط در رشد آن از منظر عوامل موثر بر عرضه، افزایش پایه پولی و از منظر اجزای تشکیل دهنده، رشد توام سپرده‌های بلندمدت با مشارکت ۱۷/۹ واحد درصد و سپرده‌های دیداری با مشارکت ۱۲/۴ واحد درصد بوده است.

نقدینگی از دو بخش پول و شبه پول تشکیل می‌شود. پول شامل اجزای با نقدشوندگی بالا و قابل استفاده در مبادلات جاری است، در حالی که شبه پول عمدتاً شامل سپرده‌های مدت‌دار بوده و نقدشوندگی کمتری دارد. نسبت پول به شبه پول در پایان سال ۱۴۰۴ نسبت به سال ۱۴۰۳ از حدود ۳۵/۰ به ۳۴/۰ کاهش یافته است. با این حال، در صورت تغییر انتظارات، تبدیل سپرده‌های مدت‌دار به پول، به‌ویژه در شرایط نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی، می‌تواند با افزایش سرعت گردش نقدینگی، زمینه‌ساز رشد تقاضای کل و در نهایت تشدید فشارهای تورمی شود.

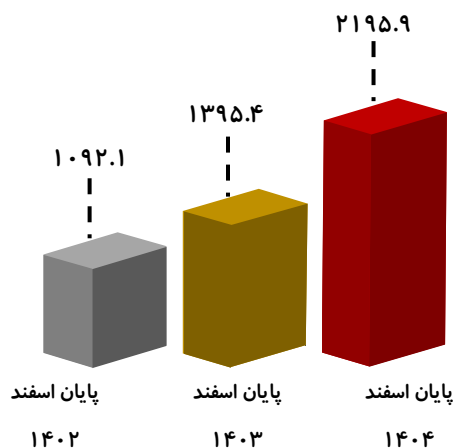
نقدینگی و اجزای آن - هزارمیلیارد تومان



منبع داده‌ها: بانک مرکزی

پایه پولی در پایان سال ۱۴۰۴ با رشد ۶۱/۵ درصدی نسبت به سال قبل به ۲ هزار و ۱۹۶ همت رسید. بیشترین سهم در رشد پایه پولی مربوط به افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی با مشارکت ۲۱۷/۲ واحد درصد (عمدتاً به دلیل افزایش نرخ تسعیر) و پس از آن افزایش مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی با مشارکت ۲۷/۲ واحد درصد بوده است. تداوم رشد بالای پایه پولی، حتی در صورت کاهش تنش‌های سیاسی، همچنان می‌تواند ریسک تشدید فشارهای تورمی و بی‌ثباتی اقتصاد کلان را به همراه داشته باشد.

پایه پولی - هزارمیلیارد تومان



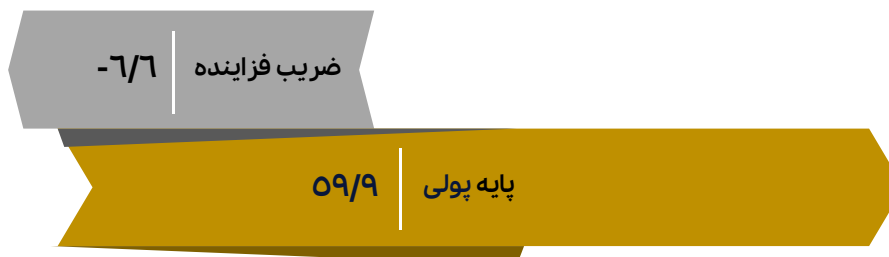
منبع داده‌ها: بانک مرکزی

معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی



ضریب فزاینده نقدینگی معیاری است که نشان می‌دهد هر واحد پایه پولی (پول پر قدرت ایجاد شده توسط بانک مرکزی) از طریق شبکه بانکی به چه میزان نقدینگی در اقتصاد تبدیل می‌شود. این ضریب در سال ۱۴۰۴ به ۷/۰۹۵ رسید و نشان می‌دهد هر یک واحد پایه پولی، حدود ۷/۱ واحد نقدینگی در اقتصاد ایجاد کرده است. بررسی عوامل مؤثر بر رشد ۵۳/۳ درصدی نقدینگی نشان می‌دهد که افزایش پایه پولی با مشارکت ۵۹/۹ واحد درصد، عامل اصلی رشد نقدینگی بوده، در حالی که ضریب فزاینده با مشارکت منفی ۶/۶ واحد درصد بخشی از اثر انبساطی پایه پولی را خنثی کرده است. از این رو، منشأ اصلی رشد نقدینگی در سال ۱۴۰۴ افزایش پایه پولی بوده است.

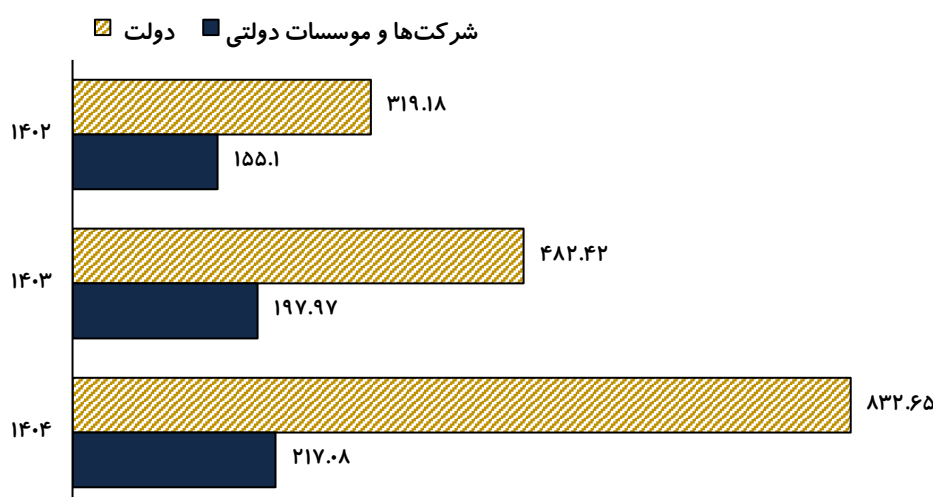
♦ مشارکت عوامل در رشد ۵۳/۳ درصدی نقدینگی در پایان سال ۱۴۰۴ نسبت سال قبل - واحد درصد



منبع داده‌ها: بانک مرکزی و محاسبات کارشناسی

بدهی بخش غیردولتی به بانک‌ها و موسسات اعتباری در پایان سال ۱۴۰۴ به حدود ۱۲ هزار و ۱۱۰ همت رسید که نسبت به سال ۱۴۰۳ حدود ۳۷/۲ درصد رشد داشته است. در مقابل سپرده‌های این بخش ۱۵ هزار و ۲۹۹ همت بود که نسبت به سال ۱۴۰۳ حدود ۵۳/۲ درصد رشد داشته است. بخش عمده بدهی بخش غیردولتی به بانک‌ها و موسسات اعتباری در پایان اسفند ۱۴۰۴ را بدهی بانک‌های خصوصی و موسسات اعتباری با سهم ۶۶/۱ درصد تشکیل داده است.

♦ بدهی و سپرده‌های بخش غیر دولتی به بانک‌ها و موسسات اعتباری - هزارمیلیارد تومان



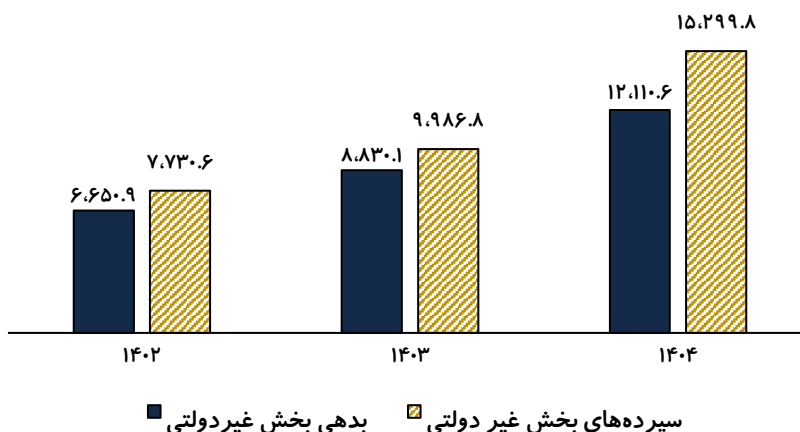
منبع داده‌ها: بانک مرکزی

معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی



بدهی دولت به بانک مرکزی در پایان سال ۱۴۰۴ با رشد ۷۲/۶ درصدی نسبت به سال قبل به حدود ۸۳۳ هزار میلیارد تومان رسید، در حالی که بدهی شرکت‌های دولتی به بانک مرکزی تنها ۹/۷ درصد افزایش یافت. این تفاوت بیانگر آن است که بخش عمده افزایش بدهی بخش عمومی به بانک مرکزی در سال ۱۴۰۴ به دولت اختصاص داشته است.

بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به بانک مرکزی - هزارمیلیارد تومان



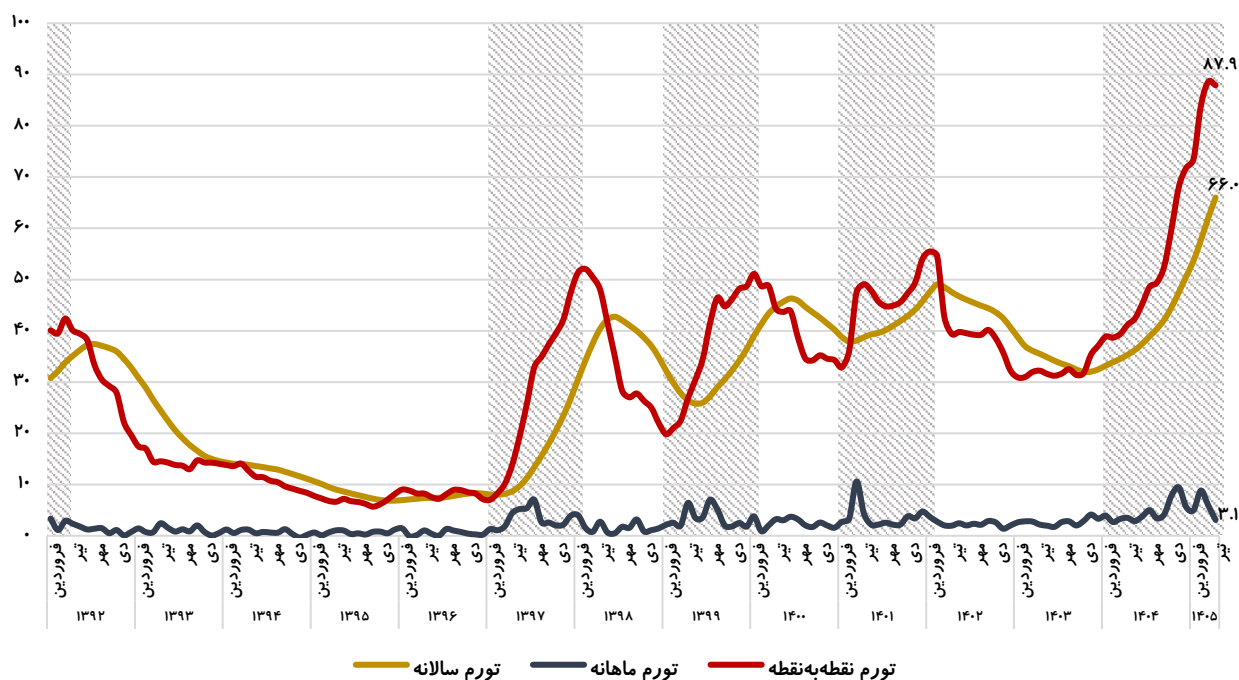
منبع داده‌ها: بانک مرکزی

پیام سیاستی

بررسی تحولات بازار پول در پایان سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که از منظر سیاست پولی، این سال یکی از پرچالش‌ترین سال‌های اقتصاد ایران بوده است. رشد بالای نقدینگی و پایه پولی، در شرایطی که اقتصاد همچنان با تورم مزمن، محدودیت‌های رشد اقتصادی و پیامدهای ناشی از دو درگیری نظامی اخیر مواجه بوده است، ریسک تداوم فشارهای تورمی در سال ۱۴۰۵ را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی احتمال انتقال آثار انبساط پولی به سطح عمومی قیمت‌ها، تشدید تورم و کاهش بیشتر قدرت خرید خانوارها افزایش خواهد یافت. از این رو، تقویت انضباط مالی، کنترل کسری بودجه و محدودسازی اتکای دولت به منابع بانک مرکزی پیش‌شرط‌های اساسی افزایش اثربخشی سیاست‌های ضدتورمی و مهار انتظارات تورمی محسوب می‌شوند.

طی بیش از یک دهه گذشته، اقتصاد ایران دوره‌های متوالی از بی‌ثباتی قیمتی و جهش‌های تورمی را تجربه کرده است؛ دوره‌هایی که پیامدهای آن به‌طور مستقیم در کاهش قدرت خرید و تضعیف سطح رفاه خانوارها نمایان شده است. این نوسانات تورمی صرفاً محصول عوامل کوتاه‌مدت یا شوک‌های مقطعی نبوده، بلکه برآیند فشارهای خارجی، عدم تعادل‌های ساختاری اقتصاد، سیاست‌های کلان اقتصادی و واکنش فعالان بازار را منعکس می‌کند. بررسی تحولات تورم از ابتدای دهه ۹۰ تا تیر ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که اقتصاد ایران دست‌کم پنج موج عمده تورمی را پشت سر گذاشته است. هر یک از این امواج، تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل از جمله تشدید تحریم‌های اقتصادی، تنش‌های سیاسی، تغییرات در سیاست‌های ارزی و شوک‌های قیمتی شکل گرفته و با دامنه و ماندگاری متفاوت، آثار قابل توجهی بر هزینه‌های زندگی و الگوی مصرف خانوارها بر جای گذاشته است.

◆ روند درصد تغییرات شاخص قیمت مصرف‌کننده (۱۴۰۰=۱۰۰)



راهنمای نمودار:

تورم نقطه به نقطه: درصد تغییر عدد شاخص قیمت نسبت به ماه مشابه سال قبل

تورم ماهانه: درصد تغییر عدد شاخص قیمت نسبت به ماه قبل

تورم سالانه: درصد تغییر میانگین اعداد شاخص قیمت در یک سال منتهی به ماه جاری نسبت به دوره مشابه قبل از آن

منبع داده‌ها: مرکز آمار

◀ موج نخست؛ تشدید تحریم‌ها و آغاز جهش تورمی (از سال ۱۳۹۱)

نخستین موج تورمی دهه اخیر هم‌زمان با تشدید تحریم‌های بین‌المللی و افزایش نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی در سال ۱۳۹۱ شکل گرفت. تشدید محدودیت‌های خارجی، اختلال در دسترسی به منابع ارزی و افزایش انتظارات تورمی، زمینه‌ساز جهش سطح عمومی قیمت‌ها شد. این تحولات به سرعت در شاخص تورم منعکس شد و آثار آن به‌طور مستقیم بر هزینه‌های معیشت خانوارها نمایان گردید. بر اساس آمارهای رسمی، نرخ تورم نقطه به نقطه طی یک روند صعودی در خرداد ۱۳۹۲ به ۴۲/۴ درصد رسید و نخستین شوک تورمی فراگیر سال‌های اخیر را رقم زد. سرانجام با کاهش تدریجی شوک‌های اولیه (در پی تغییرات انتظارات تورمی به دنبال انتخابات ریاست جمهوری ایران و آغاز مذاکرات منتهی به برجام) و کاهش نرخ تورم ماهانه، شتاب افزایش قیمت‌ها نیز به تدریج تعدیل شد؛ به گونه‌ای که تا اسفند ۱۳۹۲ نرخ تورم نقطه به نقطه به محدوده‌ای نزدیک به سطح پیش از آغاز شوک بازگشت.



◀ موج دوم؛ خروج آمریکا از برجام و تغییر رژیم تورمی اقتصاد (از سال ۱۳۹۷)

دومین موج تورمی کشور در سال ۱۳۹۷ در پی خروج ایالات متحده آمریکا از توافق برجام آغاز شد. این رخداد، با تشدید نااطمینانی های اقتصادی، افزایش فشار بر بازار ارز و شکل گیری انتظارات تورمی، زمینه بروز یکی از شدیدترین جهش های قیمتی دهه های اخیر را فراهم کرد. در نتیجه این تحولات، نرخ تورم ماهانه در مهر ۱۳۹۷ به ۷/۱ درصد رسید. تداوم این شرایط موجب شد نرخ تورم نقطه به نقطه که در فروردین ۱۳۹۷ حدود ۷ درصد بود، در اردیبهشت ۱۳۹۸ به ۵۲/۱ درصد افزایش یابد. پرواضح است، ویژگی متمایز این موج تورمی آن بود که برخلاف تجربه سال ۱۳۹۱، آثار آن صرفاً به یک جهش موقتی محدود نماند، بلکه سطح عمومی تورم را به یک تعادل بالاتر منتقل کرد. به بیان دیگر، پس از سال ۱۳۹۷ اقتصاد ایران وارد مرحله جدیدی از تورم شد که در آن میانگین نرخ تورم نسبت به دوره های پیشین به طور محسوسی افزایش یافت (میانگین نرخ تورم سالانه در دوره ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ به ۲۶/۹ درصد رسید، در حالی که این رقم در دوره ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ تنها ۹/۶ درصد بود). و حتی با کاهش شدت شوک، نرخ تورم دیگر به سطوح پیش از خروج آمریکا از برجام بازنگشت.

◀ موج سوم؛ تشدید فشارهای خارجی و تعدیل قیمت بنزین در سال های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹

سومین موج تورمی در شرایطی شکل گرفت که همزمان با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، دامنه فشارهای اقتصادی علیه ایران در سال های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ گسترش یافت. در کنار این عوامل، اصلاح قیمت بنزین در آبان ۱۳۹۸ و افزایش نرخ آن بر هزینه های مستقیم و غیرمستقیم تولید، حمل و نقل و مصرف اثر گذاشت. در ادامه این تحولات، نرخ تورم نقطه به نقطه که در فروردین ۱۳۹۹ معادل ۱۹/۸ درصد بود، با شتابی قابل توجه افزایش یافت و در فروردین ۱۴۰۰ به حدود ۵۱/۱ درصد رسید. اهمیت این موج صرفاً در دامنه افزایش تورم خلاصه نمی شود؛ بلکه همانند موج پیشین، پس از فروکش کردن شدت اولیه شوک نرخ تورم به سطوح گذشته بازنگشت. از این منظر، موج سوم را می توان مرحله دیگری از انتقال اقتصاد ایران به سطوح بالاتر و ماندگارتر تورم دانست؛ تحولی که به افزایش مجدد میانگین تورم و تثبیت بی ثباتی قیمتی در اقتصاد کشور انجامید.

◀ موج چهارم؛ حذف ارز ترجیحی در سال ۱۴۰۱

چهارمین موج تورمی در پی اجرای سیاست حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی در خرداد ۱۴۰۱ شکل گرفت. این سیاست با هدف کاهش رانت های ناشی از تخصیص ارز چندنرخه، محدود کردن قاچاق معکوس و اصلاح سازوکار قیمت گذاری کالاهای اساسی به اجرا درآمد. با این حال، انتقال ناگهانی بخشی از هزینه واردات از نرخ ترجیحی به نرخ های بالاتر، شوک قابل توجهی را به قیمت کالاهای مشمول و سایر اجزای سبد مصرفی خانوار وارد کرد. در نتیجه این تحول، نرخ تورم ماهانه در خرداد ۱۴۰۱ به ۱۰/۶ درصد رسید که بالاترین رقم ثبت شده طی ۱۴ سال گذشته محسوب می شد. شدت این شوک به تدریج در نرخ تورم نقطه به نقطه انعکاس یافت؛ به گونه ای که این شاخص از ۴۷/۵ درصد در خرداد ۱۴۰۱ به ۵۵/۵ درصد در فروردین ۱۴۰۲ افزایش پیدا کرده و تعدیل آثار این موج تقریباً بیش از یک سال به طول انجامید. نرخ تورم نقطه به نقطه در اسفند ۱۴۰۲ به ۳۲/۳ درصد کاهش یافت و به محدوده ای نزدیک به سطح پیش از آغاز شوک (فروردین ۱۴۰۱) بازگشت. با وجود این، کاهش نرخ تورم به معنای کاهش سطح قیمت ها نبوده و صرفاً بیانگر کند شدن آهنگ افزایش قیمت ها نسبت به دوره اوج این موج است.

◀ موج پنجم؛ تشدید مجدد بی ثباتی های تورمی در سال ۱۴۰۴

پنجمین موج تورمی از سال ۱۴۰۴ آغاز شد؛ سالی که اقتصاد ایران از ابتدای آن با مجموعه ای از نااطمینانی های سیاسی، امنیتی و اجتماعی مواجه بود. وقوع دو درگیری نظامی، ناآرامی های اجتماعی دی ماه و حذف ارز ترجیحی برخی کالاهای اساسی، از جمله عواملی بودند که هم از مسیر افزایش هزینه ها و هم از طریق تقویت انتظارات تورمی، بر روند قیمت ها اثر گذاشتند. برآیند این تحولات موجب شد نرخ تورم ماهانه تا سطح ۹/۴ درصد (بهمن ۱۴۰۴) افزایش یابد. آثار انباشته افزایش های ماهانه قیمت، به تدریج در شاخص تورم نقطه به نقطه منعکس شد و این نرخ را به ۸۸/۶ درصد در خرداد ۱۴۰۵ و به بالاترین سطح نرخ تورم در دهه اخیر رساند.

شایان ذکر است که کاهش مستمر نرخ تورم ماهانه طی چند ماه متوالی، می تواند به عنوان نشانه ای اولیه از تعدیل فشارهای تورمی تلقی شود؛ با این حال، شواهد آماری موجود حاکی از آن است که چنین روندی در داده های منتشر شده مشاهده نمی شود. با توجه به ماهیت تأخیری انتقال شوک های ماهانه به تورم نقطه به نقطه، انتظار می رود آثار این موج در ماه های بعد نیز در شاخص های تورمی باقی بماند. افزون بر این، تجربه موج های پیشین نشان می دهد که هرچه تورم برای مدت طولانی تری در سطوح بالا تثبیت شود، بازگرداندن آن به محدوده های پیش از شوک دشوارتر خواهد بود.



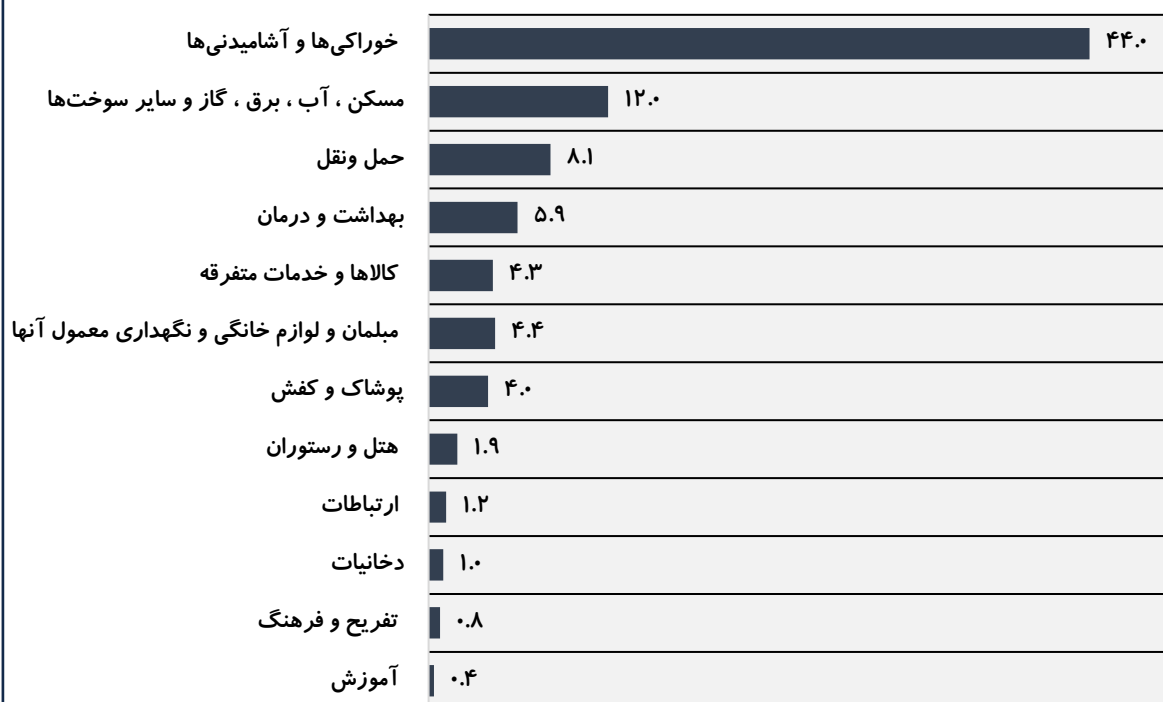
در تیرماه ۱۴۰۵، نرخ تورم نقطه به نقطه با کاهش جزئی ۰/۷ واحد درصدی نسبت به خردادماه، به ۸۷/۹ درصد رسید؛ با این حال، این نرخ همچنان ۶۶/۷ واحد درصد بالاتر از تیرماه سال گذشته قرار دارد و از تداوم فشارهای تورمی قابل توجه بر خانوارها حکایت می‌کند.

در چهارمین ماه ۱۴۰۵، بیشترین افزایش شاخص قیمت در مقایسه با ماه مشابه سال قبل، در میان گروه‌های کالایی به ترتیب مربوط به روغن‌ها و چربی‌ها با ۲۶۱/۵ درصد، دخانیات با ۱۶۲/۴ درصد، گوشت قرمز و گوشت ماکیان با ۱۴۹/۲ درصد، شیر، پنیر و تخم مرغ با ۱۴۷/۱ درصد و گوشت قرمز و سفید و فرآورده‌های آن‌ها با ۱۴۵/۲ درصد بوده است. افزایش چشمگیر قیمت در گروه‌های گوشت، لبنیات و تخم مرغ، به دلیل نقش مهم این اقلام در تأمین پروتئین خانوار، می‌تواند قدرت خرید مواد غذایی و دسترسی خانوارها، به ویژه دهک‌های کم‌درآمد، به منابع اصلی پروتئینی را با محدودیت بیشتری مواجه کند.

با توجه به ضرایب اهمیت کالاها و خدمات در سبد هزینه خانوارهای کشور، میزان مشارکت گروه‌های کالایی و خدماتی در تورم متفاوت است. در چهارمین ماه سال جاری، بیشترین مشارکت در تورم نقطه به نقطه مربوط به گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها با ۴۴ واحد درصد سهم، بهداشت و درمان با ۵/۹ واحد درصد سهم است.

◆ مشارکت گروه‌های کالایی و خدماتی در افزایش ۸۷/۹ درصدی شاخص کل تیر ۱۴۰۵ نسبت به ماه مشابه سال قبل

(تورم نقطه به نقطه) - واحد درصد



راهنمای نمودار:

مشارکت در رشد؛ مشخص می‌کند هر بخش چند واحد درصد از رشد یا کاهش GDP را ایجاد کرده است.

منبع داده‌ها: مرکز آمار و محاسبات کارشناسی

معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی



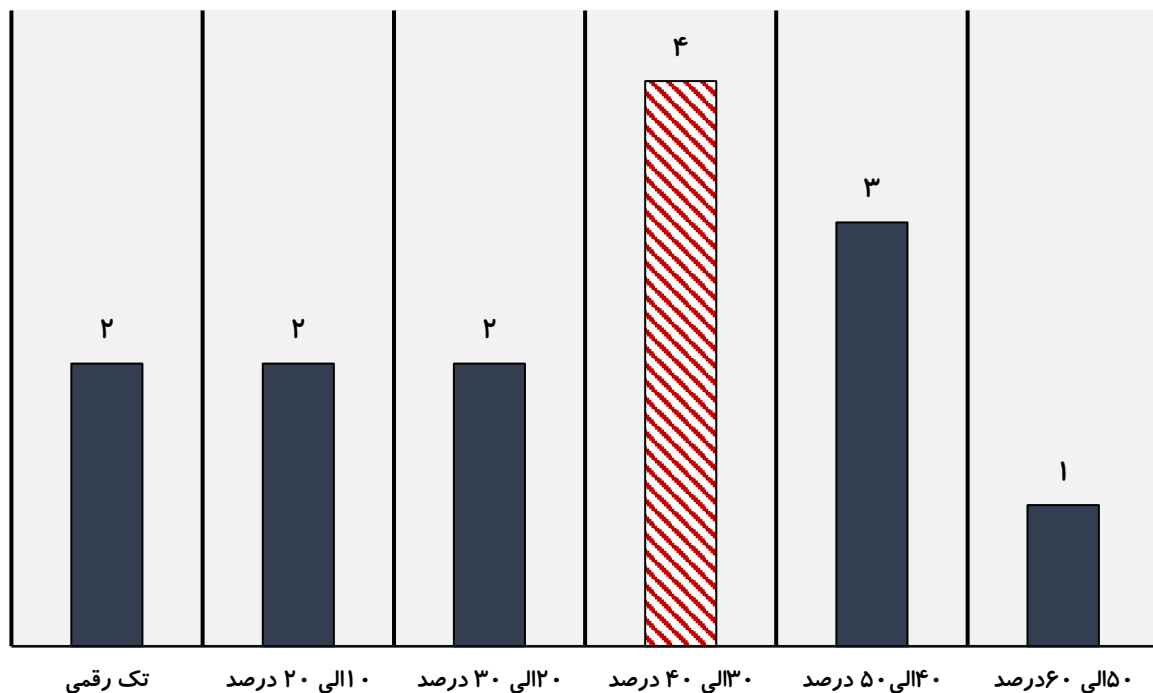
اقتصاد کشور در فاصله سال‌های ۱۳۹۱ تا پایان ۱۴۰۴، تنها در دو سال تورم تک‌رقمی را تجربه کرده است. به‌طور کلی بعد از شوک اول نفتی در سال ۱۳۵۳، سطح تورم در ایران افزایش یافته و تورم تک‌رقمی به ندرت رخ داده است. این موضوع نشان می‌دهد که طی بخش عمده این دوره، تورم در سطوح بالا تداوم داشته است.

میانگین نرخ تورم سالانه در دوره ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ برابر با ۱۷/۲ درصد و میانگین نرخ تورم سالانه در دوره ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۴ برابر با ۳۸/۵ است. افزایش قابل‌توجه میانگین تورم در دوره دوم، می‌تواند بیانگر نقش محدودیت‌های تحریمی در تشدید فشارهای تورمی در اقتصاد ایران باشد. همچنین، بیشترین فراوانی نرخ‌های تورم در بازه ۳۰ تا ۴۰ درصد قرار دارد که بیانگر غلبه تورم‌های بالا در اقتصاد ایران است.

اقتصاد ایران طی چهار سال متوالی منتهی به سال ۱۴۰۴، نرخ تورم بالاتر از ۴۰ درصد را تجربه کرده است. این طولانی‌ترین دوره ماندگاری تورم در این سطح طی سال‌های مورد بررسی به شمار می‌رود.

در میان سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۴، بالاترین نرخ تورم سالانه مربوط به سال ۱۴۰۴ و معادل ۵۰/۶ درصد بوده است. در مقابل، کمترین نرخ تورم این دوره در سال ۱۳۹۵ و برابر با ۶/۹ درصد ثبت شده است.

♦ تواتر تجربه تورم طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۴ - تعداد سال



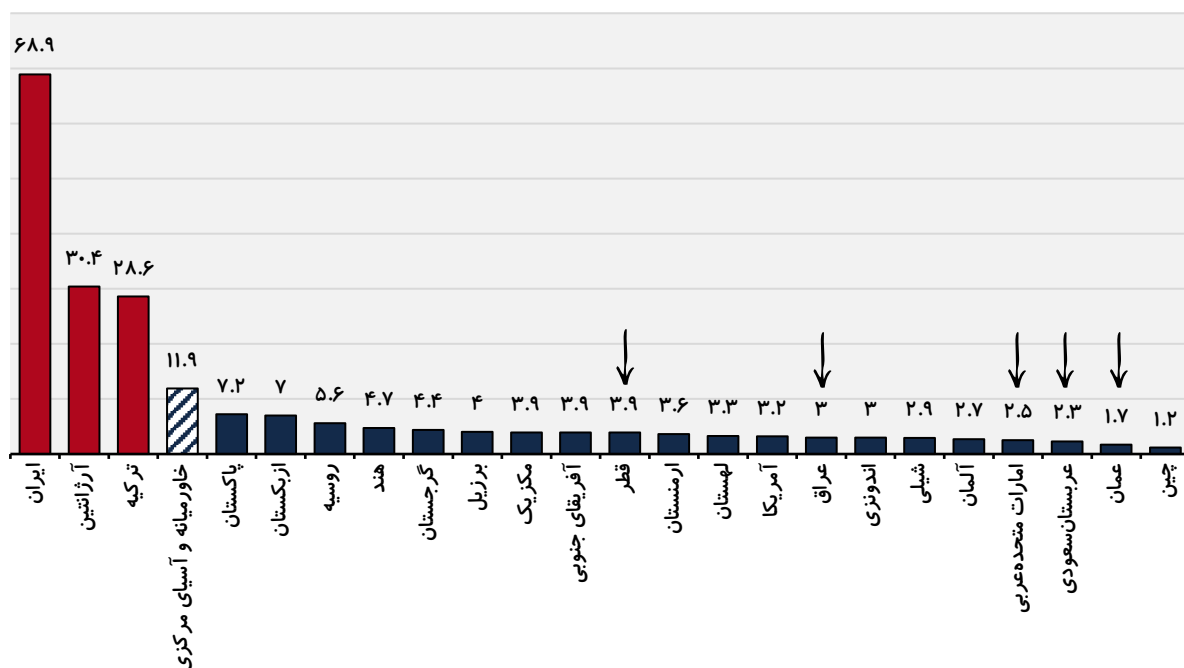
منبع داده‌ها: مرکز آمار و محاسبات کارشناسی



برآوردهای گزارش جدید صندوق بین‌المللی پول جولای ۲۰۲۶ نشان می‌دهد روند نزولی تورم جهانی که از ابتدای سال ۲۰۲۴ آغاز شده بود، در سال ۲۰۲۶ متوقف خواهد شد؛ به‌گونه‌ای که نرخ تورم از ۴/۱ درصد در سال ۲۰۲۵ به ۴/۷ درصد در سال ۲۰۲۶ افزایش یافته و سپس در سال ۲۰۲۷ به ۳/۹ درصد کاهش خواهد یافت.

همچنین بر اساس گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهانی صندوق بین‌المللی پول (آوریل ۲۰۲۶)، ایران با نرخ تورم ۶۸/۹ درصد، پس از ونزوئلا (۳۸۷/۴ درصد) و سودان (۷۵/۱ درصد)، در جایگاه سومین کشور دارای بالاترین نرخ تورم در جهان قرار دارد. همچنین، نرخ تورم ایران به‌ترتیب ۳۸/۵ و ۴۰/۳ واحد درصد بیشتر از آرژانتین و ترکیه برآورد شده است. در مقابل، کشورهای عمان، عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی و عراق با ثبت نرخ‌های تورم تکریمی، از ثبات نسبی بیشتری در سطح عمومی قیمت‌ها برخوردار بوده و فاصله قابل توجهی با وضعیت تورمی ایران دارند.

پیش‌بینی تغییرات شاخص بهای مصرف‌کننده (CPI) در سال ۲۰۲۶ بر اساس گزارش آوریل - درصد



منبع داده‌ها: International Monetary Fund (IMF)

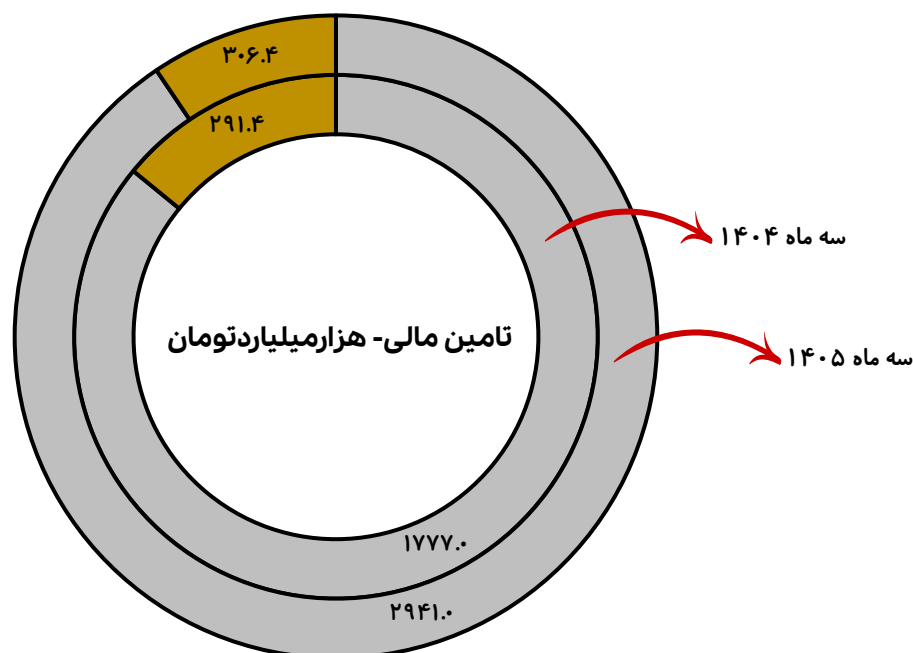
پیام سیاستی

برآیند تحولات تورمی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که تداوم رشد سطح عمومی قیمت‌ها، به کاهش مستمر قدرت خرید، کوچک‌تر شدن سبد مصرفی خانوارها و تشدید فشارهای معیشتی، به‌ویژه برای دهک‌های کم‌درآمد، منجر شده است. در شرایط کنونی، اقتصاد کشور به‌طور هم‌زمان با مجموعه‌ای از فشارهای به‌هم‌پیوسته، از جمله اختلال در زنجیره تأمین و محدودیت دسترسی به کالاها، کاهش منابع ارزی، افزایش کسری بودجه و رشد بالای نقدینگی مواجه است. استمرار و هم‌افزایی این عوامل، در صورت فقدان هماهنگی میان سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری، می‌تواند به تقویت انتظارات تورمی، افزایش ماندگاری تورم و تشدید بی‌ثباتی‌های قیمتی منجر شود و اقتصاد ایران را در معرض تداوم نرخ‌های بسیار بالای تورم قرار دهد.



تأمین مالی و دسترسی بنگاه‌های اقتصادی به منابع مالی موردنیاز، یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای شکل‌گیری، توسعه و تداوم فعالیت‌های اقتصادی و کسب‌وکارها به شمار می‌رود و نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای سرمایه‌گذاری، افزایش ظرفیت تولید و بهبود رقابت‌پذیری بنگاه‌ها ایفا می‌کند. در اقتصاد ایران، بازار پول و بازار سرمایه دو رکن اصلی نظام تأمین مالی محسوب می‌شوند که هر یک از طریق ابزارها و سازوکارهای متفاوت، وظیفه تجهیز و تخصیص منابع مالی به بخش‌های مختلف اقتصادی را بر عهده دارند. بر این اساس، در این بخش با بهره‌گیری از آخرین آمارهای منتشرشده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس و اوراق بهادار، وضعیت تأمین مالی در این دو بازار طی سه‌ماهه نخست سال ۱۴۰۵ مورد بررسی قرار گرفته است.

کل تأمین مالی در اقتصاد ایران طی سه‌ماهه ۱۴۰۵ از طریق بازار پول و بازار سرمایه حدود ۳/۲ هزار همت (۳۲۴۷/۴ هزارمیلیارد تومان) بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۵۷ درصد افزایش یافته است. مشارکت بازار پول به عنوان عامل مسلط در رشد تأمین مالی طی مدت مورد بررسی برابر با ۵۶/۳ واحد درصد و مشارکت بازار سرمایه نیز حدود ۰/۷ واحد درصد است. این وضعیت بیانگر تداوم اتکای نظام تأمین مالی کشور به شبکه بانکی در پاسخگویی به نیازهای مالی بخش‌های اقتصادی است.



■ تسهیلات پرداختی بانک‌ها ■ جذب و تجهیز منابع مالی از بازار سرمایه

منبع داده‌ها: بانک مرکزی و سازمان بورس

همچنین، مقایسه ترکیب تأمین مالی با سه‌ماهه نخست سال ۱۴۰۴ حاکی از کاهش ۴/۷ واحد درصدی سهم بازار سرمایه است؛ به‌طوری‌که سهم این بازار ۱۴/۱ درصد در سه‌ماهه نخست سال ۱۴۰۴ به ۹/۴ درصد در سه‌ماهه نخست سال ۱۴۰۵ کاهش یافته است. در مقابل، طی سه‌ماهه سال جاری بازار پول با در اختیار داشتن ۹۰/۶ درصد از کل تأمین مالی، همچنان نقش غالب را در تجهیز منابع مالی اقتصاد کشور ایفا می‌کند. تداوم این الگو، به‌ویژه در شرایط افزایش نااطمینانی‌های اقتصادی و الزامات ناشی از وضعیت جنگی کشور، بیانگر اتکای بیشتر بنگاه‌ها و سیاست‌گذاران به ظرفیت شبکه بانکی برای تأمین نقدینگی و پشتیبانی از فعالیت‌های اقتصادی است.



بررسی عملکرد بازار پول در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که این بازار با اختصاص ۹۰/۶ درصد از کل تأمین مالی اقتصاد، همچنان مهم‌ترین و اثرگذارترین کانال تجهیز و تخصیص منابع مالی کشور محسوب می‌شود.

در سه ماهه نخست سال جاری، از مجموع تسهیلات پرداختی شبکه بانکی، ۷۶/۸ درصد به بخش‌های اقتصادی و ۲۳/۲ درصد به خانوارها اختصاص یافته است که نشان‌دهنده اولویت سیاست اعتباری کشور در حمایت از فعالیت‌های تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی است.

در این بازه زمانی، در میان بخش‌های اقتصادی، سرمایه در گردش با سهم ۸۴/۹ درصدی، اصلی‌ترین محل مصرف تسهیلات بوده و پس از آن، ایجاد و توسعه با سهم ۱۲/۴ درصد قرار دارد. این ترکیب بیانگر آن است که تأمین مالی بانکی بیش از توسعه ظرفیت‌های جدید، معطوف به تأمین نیازهای جاری و استمرار فعالیت بنگاه‌های اقتصادی بوده است.

از منظر توزیع بخشی تسهیلات در سه ماهه سال ۱۴۰۵، بخش صنعت و معدن با سهم ۴۲/۴ درصد بیشترین دریافت‌کننده منابع بانکی بوده و پس از آن بخش خدمات با ۳۴/۷ درصد، بازرگانی با ۱۴/۷ درصد، کشاورزی با ۵/۵ درصد و مسکن و ساختمان با ۲/۸ درصد قرار دارند. تمرکز اعتبارات بر بخش‌های صنعت، معدن و خدمات، بیانگر جهت‌گیری نظام بانکی در حمایت از فعالیت‌های مولد، تولید و خدمات اقتصادی است.

در بخش خانوار نیز، طی بازه زمانی مورد بررسی، بیشترین سهم تسهیلات به خرید کالای شخصی با ۴۶/۵ درصد اختصاص یافته است. همچنین ۴۵/۲ درصد از تسهیلات خانوار در قالب قرض‌الحسنه ازدواج، فرزندآوری و سایر تسهیلات ضروری پرداخت شده و تنها ۲/۱ درصد به خرید مسکن نوساز اختصاص یافته است.

تسهیلات پرداختی سیستم بانکی (هزار میلیارد تومان) - سه ماهه ۱۴۰۵

بخش	مقدار	درصد تغییر نسبت به مدت مشابه سال قبل
بخش‌های اقتصادی	۲۲۵۸/۷	۶۷/۵
خانوارها	۶۸۲/۳	۵۹/۳
جمع کل	۲۹۴۱	۶۵/۵

منبع داده‌ها: بانک مرکزی و محاسبات کارشناسی



ساختار تأمین مالی بازار سرمایه در این سه ماهه ۱۴۰۵ بر دو ابزار روش بدهی و روش سرمایه‌ای استوار بوده است؛ به گونه‌ای که انتشار اوراق با سهم ۷۱/۵ درصدی، مهم‌ترین ابزار تأمین مالی محسوب می‌شود و افزایش سرمایه نیز ۲۸/۵ درصد از منابع تجهیز شده را تشکیل داده است. در این بازه زمانی، ارزش عرضه‌های اولیه سهام شرکت‌ها در بورس و فرابورس طی دوره مورد بررسی به ۲/۶ هزار میلیارد تومان رسیده است. همچنین، مجموع افزایش سرمایه بالغ بر ۸۴/۷ هزار میلیارد تومان بوده که بخش عمده آن از محل سود انباشته و به میزان ۶۳ هزار میلیارد تومان تأمین شده است. پس از سود انباشته، به ترتیب افزایش سرمایه از محل آورده نقدی و مطالبات حال شده با ۱۵/۷ هزار میلیارد تومان، مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها با ۴/۷ هزار میلیارد تومان و اندوخته‌ها با ۱/۴ هزار میلیارد تومان قرار دارند. بررسی ترکیب اوراق بدهی منتشر شده نیز نشان می‌دهد که طی سه ماهه ۱۴۰۵، اوراق دولتی با ارزش ۱۸۴/۱ هزار میلیارد تومان، سهم غالب بازار بدهی را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که اوراق بدهی شرکتی با ۲۹/۳ هزار میلیارد تومان منتشر شده است.

◆ تامین مالی از طریق بازار سرمایه (هزار میلیارد تومان) - سه ماهه ۱۴۰۵

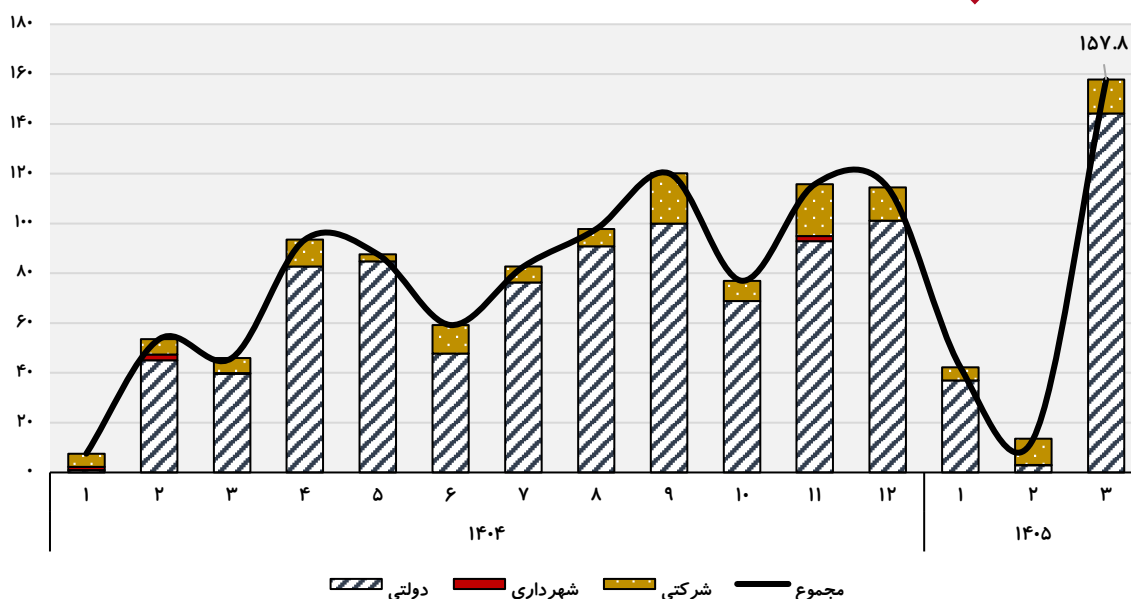
نوع	مقدار	درصد تغییر نسبت به مدت مشابه سال قبل
سرمایه‌ای	۸۷/۴	-۵۱/۸
بدهی	۲۱۹/۱	۹۹/۲
جمع کل	۳۰۶/۴	۵/۲

منبع داده‌ها: سازمان بورس و محاسبات کارشناسی

بررسی روند انتشار اوراق بدهی نشان می‌دهد که در خردادماه ۱۴۰۵، در مجموع ۱۵۷/۸ هزار میلیارد تومان اوراق بدهی منتشر شده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل سه برابر و در مقایسه با ماه قبل ۱۲ برابر افزایش داشته است. این جهش چشمگیر بیانگر استفاده گسترده‌تر از ابزارهای بازار بدهی برای تأمین مالی در مقطع مورد بررسی است.

از مجموع اوراق بدهی منتشر شده طی سه ماهه نخست سال ۱۴۰۵، ۸۶/۲ درصد به اوراق دولتی و تنها ۱۳/۷ درصد به اوراق بدهی بخش غیردولتی (شرکتی) اختصاص یافته است. بخش غیردولتی در خردادماه ۱۴۰۵ حدود ۱۳/۵ هزار میلیارد تومان اوراق بدهی منتشر کرده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل دو برابر و در مقایسه با ماه قبل ۲۸ درصد افزایش نشان می‌دهد. هرچند این روند از افزایش تدریجی استفاده شرکت‌ها از ابزارهای بازار سرمایه برای تأمین مالی حکایت دارد، اما با توجه به سهم پایین اوراق شرکتی در کل بازار بدهی، همچنان ظرفیت قابل توجهی برای توسعه این ابزار و کاهش وابستگی بنگاه‌ها به تأمین مالی بانکی وجود دارد.

◆ روند ماهانه انتشار اوراق بدهی به تفکیک ماهیت ناشر - هزار میلیارد تومان



منبع داده‌ها: سازمان بورس

معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی

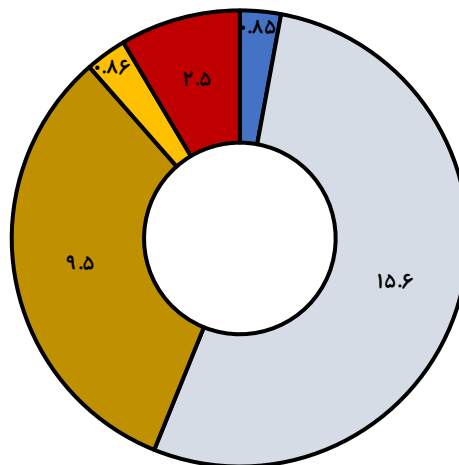


بررسی ترکیب ۲۹/۳ هزار میلیارد تومان اوراق بدهی غیردولتی (شرکتی) منتشرشده طی سه ماهه نخست سال ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که اوراق مرابحه با ۱۵/۶ هزار میلیارد تومان، بیشترین سهم را در تأمین مالی شرکت‌ها به خود اختصاص داده است.

پس از آن، اوراق گام با ۹/۵ هزار میلیارد تومان، اوراق سلف موازی استاندارد با ۲/۵ هزار میلیارد تومان، اوراق مرابحه کوتاه‌مدت با ۸۶۰ میلیارد تومان و اوراق اجاره با حدود ۸۵۰ میلیارد تومان قرار دارند. غلبه اوراق مرابحه و گام بیانگر آن است که بنگاه‌ها در شرایط افزایش نیاز به سرمایه در گردش و محدودیت‌های نقدینگی، بیش از سایر ابزارهای بازار سرمایه از این دو ابزار برای تأمین مالی کوتاه‌مدت و میان‌مدت استفاده کرده‌اند.

نکته قابل توجه، رشد ۲/۵ برابری انتشار اوراق گام در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۵ نسبت به دوره مشابه سال قبل است. این روند نشان می‌دهد که اوراق گام به تدریج جایگاه خود را به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر تأمین مالی زنجیره تولید و تسهیل سرمایه در گردش بنگاه‌ها تقویت کرده است.

♦ ترکیب عمده اوراق بدهی منتشر شده غیردولتی / شرکتی طی سه ماهه ۱۴۰۵ - (هزار میلیارد تومان)



اوراق سلف موازی استاندارد ■ اوراق مرابحه کوتاه مدت ■ اوراق گام ■ اوراق مرابحه ■ اوراق اجاره

منبع داده‌ها: سازمان بورس

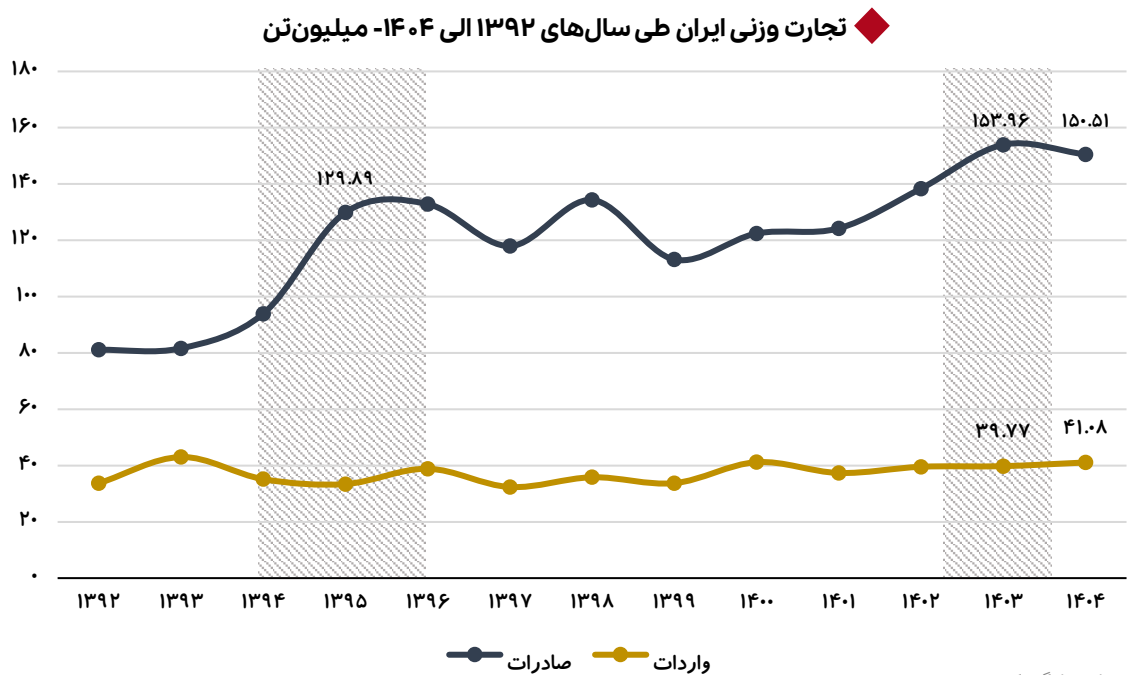
پیام سیاستی

ساختار تأمین مالی همچنان به طور قابل توجهی بر شبکه بانکی متکی است. تداوم این ساختار، ضمن افزایش وابستگی بنگاه‌ها به منابع بانکی، می‌تواند فشار بر ترانزنامه بانک‌ها را تشدید کرده، هزینه تأمین مالی را افزایش دهد و امکان تجهیز منابع بلندمدت برای سرمایه‌گذاری مولد را محدود سازد. از این رو، توسعه ابزارهای متنوع بازار سرمایه و ایجاد مشوق‌های مالی و مقرراتی برای افزایش سهم بازار سرمایه در تأمین مالی بنگاه‌ها، از مهم‌ترین اولویت‌های سیاست‌گذاری در راستای کاهش وابستگی اقتصاد به شبکه بانکی، ارتقای تاب‌آوری نظام مالی و تقویت سرمایه‌گذاری و رشد پایدار اقتصادی به شمار می‌رود.

بررسی روند تجارت غیرنفتی کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که صادرات و واردات از منظر وزنی، الگوهای متفاوتی را تجربه کرده‌اند. در حالی که وزن کالاهای صادراتی در این دوره به‌طور کلی روند افزایشی داشته، وزن واردات از در دامنه محدودی نوسان کرده است.

وزن صادرات غیرنفتی تا سال ۱۳۹۴ با آهنگی ملایم افزایش یافت، اما پس از برجام و کاهش محدودیت‌های تجاری، رشد قابل توجهی را تجربه کرد؛ به‌گونه‌ای که از حدود ۸۱ میلیون تن در سال ۱۳۹۲ به نزدیک ۱۳۰ میلیون تن در سال ۱۳۹۵ رسید. پس از آن، با وجود نوسانات ناشی از تحولات اقتصادی و تجاری، روند کلی صادرات وزنی همچنان صعودی باقی ماند و در سال ۱۴۰۳ با ثبت حدود ۱۵۴ میلیون تن به بالاترین سطح خود در دوره مورد بررسی رسید. با این حال، در سال ۱۴۰۴ وزن صادرات با کاهش ۲/۲ درصدی نسبت به سال قبل، به حدود ۱۵۰ میلیون رسید.

در مقابل، وزن کالاهای وارداتی طی دوره مورد بررسی از ثبات بیشتری برخوردار بوده و عمدتاً در بازه ۳۲ تا ۴۳ میلیون تن در نوسان بوده است. در سال ۱۴۰۴ نیز وزن واردات به حدود ۴۱ میلیون تن رسید که نسبت به سال ۱۴۰۳ معادل ۳/۳ درصد افزایش نشان می‌دهد.

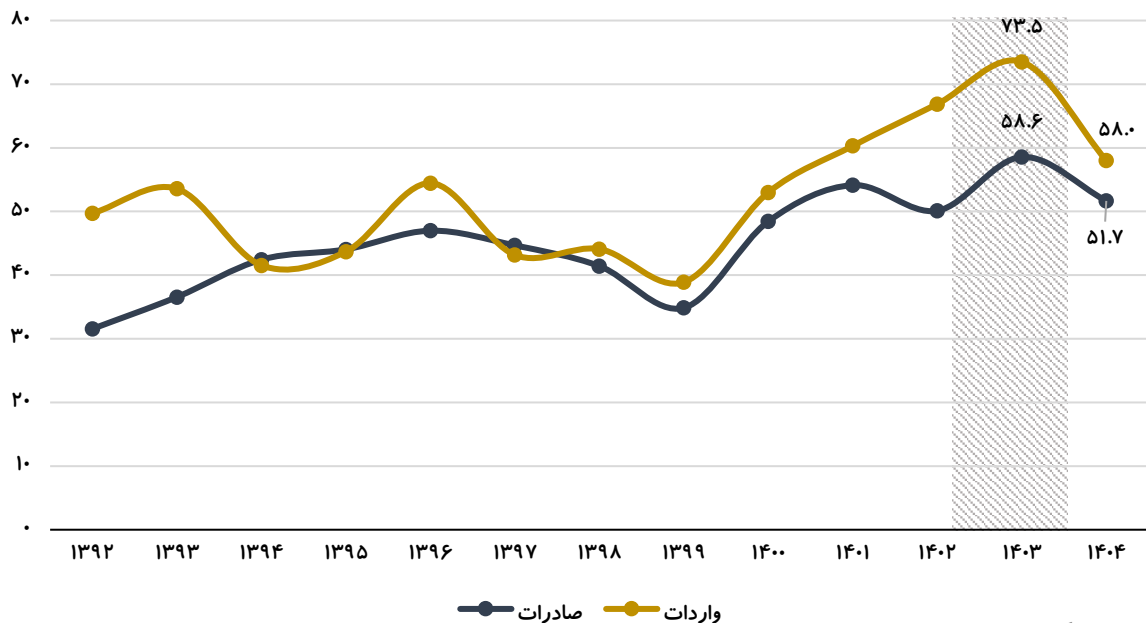


بررسی روند ارزش دلاری تجارت غیرنفتی کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که صادرات و واردات هر دو در سال ۱۴۰۳ به بالاترین سطح خود در دوره مورد بررسی رسیده‌اند. ارزش صادرات غیرنفتی در این سال به ۵۸.۶ میلیارد دلار افزایش یافت، اما در سال ۱۴۰۴ با کاهش نزدیک به ۱۲ درصدی به ۵۱/۷ میلیارد دلار رسید. در سمت واردات نیز ارزش کالاهای وارداتی از ۷۳/۵ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۳ به حدود ۵۸ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۴ کاهش یافت که بیانگر افتی در حدود ۲۱ درصد است.

سال ۱۴۰۴ را می‌توان یکی از پرچالش‌ترین سال‌های اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر دانست؛ سالی که تشدید نااطمینانی‌های سیاسی، افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیکی و محدودیت‌های ناشی از تحولات منطقه‌ای، فضای تجارت خارجی کشور را به‌طور محسوسی تحت تأثیر قرار داد.

کاهش ارزش دلار و صادرات و واردات در این سال، بیانگر افت مبادلات تجاری کشور است؛ با این حال، شدت بیشتر کاهش ارزش واردات نسبت به صادرات نشان می‌دهد که فشارهای ناشی از ناطمینانی و محدودیت‌های ارزی، بیش از همه بر تقاضا و تأمین کالاهای وارداتی اثرگذار بوده است.

تجارت ارزشی ایران طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۴ - میلیارد دلار



منبع داده‌ها: گمرک

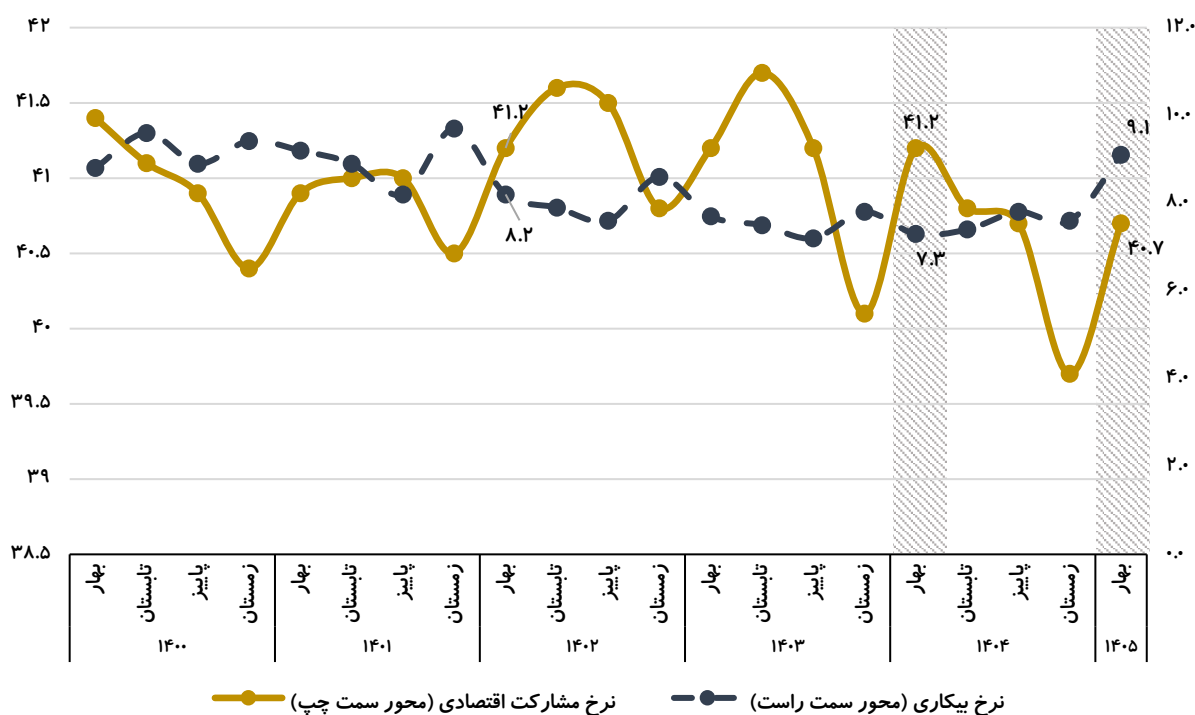
پیام سیاستی

بررسی هم‌زمان ساختار وزنی و ارزشی تجارت غیرنفتی کشور طی سال‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد از وزن تجارت خارجی ایران به صادرات اختصاص دارد، در حالی که سهم صادرات از ارزش کل تجارت تنها در محدوده ۴۰ تا ۵۰ درصد قرار گرفته است. این تفاوت، بیانگر پایین‌تر بودن متوسط ارزش واحد کالاهای صادراتی در مقایسه با کالاهای وارداتی است؛ به این معنا که حجم فیزیکی بالاتر صادرات، با سهمی متناسب از ارزش دلاری تجارت همراه نبوده است. به بیان دیگر، در ساختار تجارت غیرنفتی کشور نوعی عدم تقارن میان وزن و ارزش مبادلات مشاهده می‌شود؛ به گونه‌ای که صادرات، با وجود برخورداری از سهم غالب در حجم تجارت، سهم کمتری از ارزش کل مبادلات را به خود اختصاص داده است.

تداوم این شکاف میان ساختار وزنی و ارزشی تجارت، ضرورت توجه به افزایش ارزش واحد سید صادراتی کشور را برجسته می‌کند. در این راستا، حرکت به سمت توسعه صادرات محصولات با ارزش تجاری بالاتر، افزایش درجه فرآوری محصولات صادراتی، تنوع‌بخشی به ترکیب کالاها و بازلهای هدف و فراهم‌سازی شرایط باثبات برای حضور مستمر بنگاه‌های ایرانی در بازارهای بین‌المللی می‌تواند به افزایش ظرفیت ارزی و بهبود کیفیت و پایداری صادرات غیرنفتی کشور کمک کند.

تحولات بازار کار کشور در بهار ۱۴۰۵ از تضعیف همزمان برخی از مهم‌ترین شاخص‌های این بازار حکایت دارد. نرخ بیکاری که در بهار ۱۴۰۴ معادل ۷/۳ درصد بود، در بهار ۱۴۰۵ به ۹/۱ درصد افزایش یافته است. با این حال، اتکا به نرخ بیکاری به تنهایی نمی‌تواند تصویر جامعی از وضعیت بازار کار ارائه دهد؛ به‌ویژه آنکه در همین دوره، نرخ مشارکت اقتصادی نیز از ۴۱/۲ درصد به ۴۰/۷ درصد کاهش یافته است. همزمانی افزایش نرخ بیکاری با کاهش مشارکت اقتصادی، بیانگر آن است که تحولات اخیر صرفاً به افزایش تعداد بیکاران محدود نبوده و با نسبت کمتری از جمعیت در سن کار که در بازار کار حضور فعال دارند همراه شده است. تعداد شاغلان در دوره برابر با ۲۴/۷ میلیون نفر بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود بیش از ۴۰۵ هزار نفر کاهش داشته است. همچنین تعداد بیکاران برابر با ۲/۵ میلیون نفر بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل بیش از ۴۸۲ هزار نفر افزایش داشته است. بخشی از این وضعیت را می‌توان در امتداد چالش‌های ساختاری بازار کار ایران و شوک‌های متعددی ارزیابی کرد که طی سال‌های اخیر بر عملکرد بنگاه‌ها و ایجاد فرصت‌های شغلی اثرگذار بوده‌اند. با این حال، به نظر می‌رسد افزایش نااطمینانی‌های اقتصادی ناشی از جنگ و اختلال ایجادشده در فعالیت برخی بنگاه‌ها نیز بر شدت این فشارها در بهار ۱۴۰۵ افزوده است. تعطیلی موقت برخی فعالیت‌ها، کاهش سطح تولید و محدود شدن ظرفیت عملیاتی بنگاه‌ها می‌تواند از مسیر کاهش تقاضا برای نیروی کار، تعویق استخدام‌های جدید و در برخی موارد تعدیل نیروی انسانی، بر شاخص‌های بازار کار اثرگذار بوده باشد.

رشد نرخ بیکاری و نرخ مشارکت اقتصادی - درصد



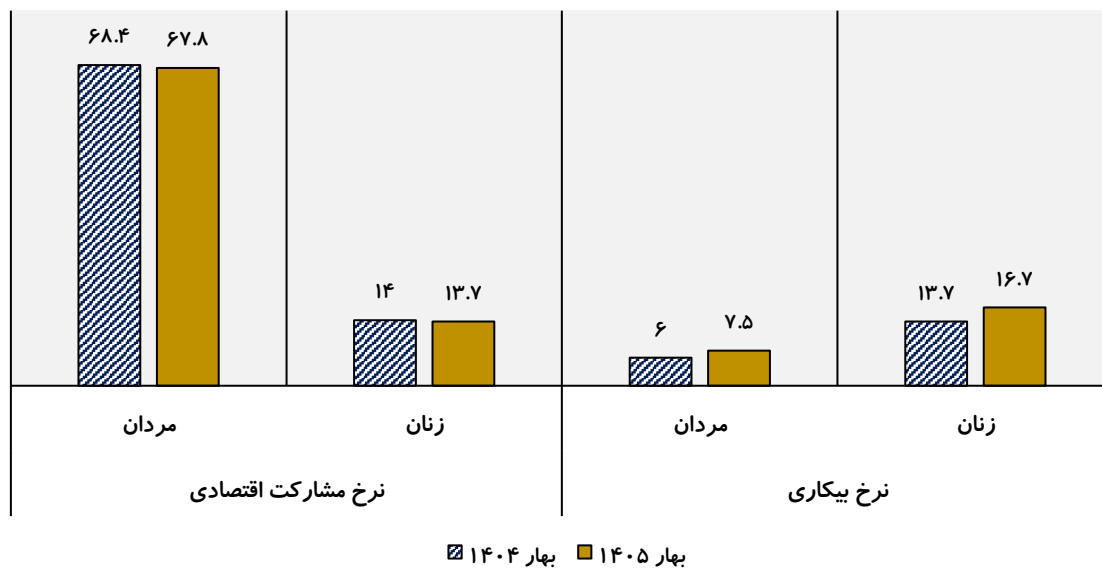
منبع داده‌ها: مرکز آمار

بررسی استانی نیز از ناهمگونی قابل توجه وضعیت بازار کار در کشور حکایت دارد. در بهار ۱۴۰۵، استان‌های کرمانشاه و خوزستان با نرخ بیکاری ۱۱/۹ درصد، بالاترین نرخ بیکاری را در میان استان‌های کشور به ثبت رسانده‌اند. در این میان، وضعیت استان تهران نیز قابل تأمل است؛ نرخ بیکاری این استان به ۱۰/۶ درصد رسیده که در مقایسه با بهار ۱۴۰۴ حدود ۴/۲ واحد درصد افزایش نشان می‌دهد. چنین افزایشی، به‌ویژه با توجه به جایگاه استان تهران در تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، خدماتی و بنگاهی کشور، می‌تواند نشانه‌ای مهم از افزایش فشار بر ظرفیت جذب نیروی کار در بزرگ‌ترین کانون اقتصادی کشور باشد.



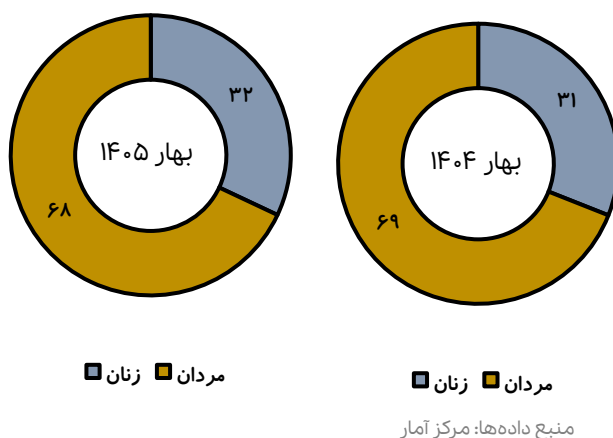
تحولات نامطلوب بازار کار در بهار ۱۴۰۵، برای زنان به مراتب شدیدتر از مردان بوده است. نرخ بیکاری مردان از ۶ درصد در بهار ۱۴۰۴ به ۷.۵ درصد در بهار ۱۴۰۵ افزایش یافته که معادل رشد ۱/۵ واحد درصدی است. در مقابل، نرخ بیکاری زنان طی همین دوره با افزایشی ۳ واحد درصدی، از ۱۳/۷ درصد به ۱۶/۷ درصد رسیده است؛ به بیان دیگر، شدت افزایش نرخ بیکاری زنان دو برابر مردان بوده است. در عین حال، بررسی نرخ مشارکت اقتصادی تصویر مهم‌تری از وضعیت زنان در بازار کار ارائه می‌دهد. براساس نمودار، نرخ مشارکت اقتصادی مردان با تغییر محدودی از ۶۸/۴ درصد به ۶۷/۸ درصد کاهش یافته، در حالی که این شاخص برای زنان از ۱۴ درصد به ۱۳/۷ درصد رسیده است. با وجود کاهش بیشتر نرخ مشارکت اقتصادی مردان نسبت به زنان، هم‌زمانی نرخ بالاتر بیکاری زنان با سطح به مراتب پایین‌تر مشارکت اقتصادی آنان، بیانگر تداوم شکاف جنسیتی قابل‌توجه در شاخص‌های اصلی بازار کار است.

مقایسه نرخ بیکاری و نرخ مشارکت اقتصادی بین زنان و مردان در فصل نخست سال ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵- درصد



منبع داده‌ها: مرکز آمار

سهم زنان و مردان از کل بیکاران طی بهار ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵- درصد



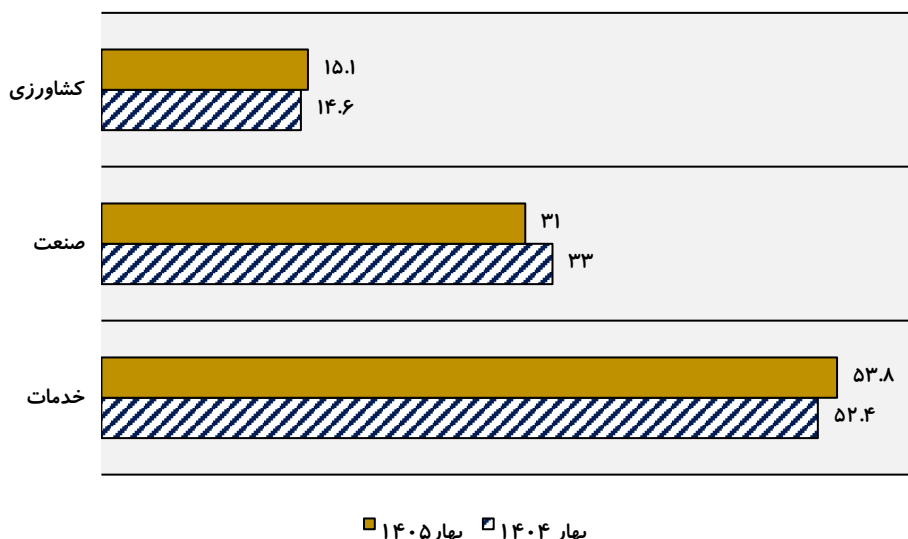
ترکیب جمعیت بیکار نیز این روند را تأیید می‌کند. سهم زنان از کل جمعیت بیکار ۱۵ ساله و بیشتر در بهار ۱۴۰۵ به حدود ۳۲ درصد رسیده که در مقایسه با ۳۱ درصد در فصل مشابه سال قبل، یک واحد درصد افزایش یافته است. در مقابل، سهم مردان از جمعیت بیکار طی همین دوره از ۶۹ درصد به ۶۸ درصد کاهش یافته است. افزایش سهم زنان از جمعیت بیکار، در شرایطی که حضور آنان در بازار کار به مراتب محدودتر از مردان است، بیانگر آن است که فشار ناشی از تضعیف بازار کار به صورت نامتوازن میان زنان و مردان توزیع شده و زنان با شدت بیشتری در معرض پیامدهای آن قرار گرفته‌اند.

معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی



بررسی ساختار اشتغال کشور به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که در بهار ۱۴۰۵، بخش خدمات با سهم ۵۳/۸ درصدی بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است و پس از آن، بخش‌های صنعت و کشاورزی به ترتیب با سهم ۳۱ درصد و ۱۵/۱ درصد در جایگاه‌های بعدی قرار داشته‌اند. همچنین مقایسه آمار بهار ۱۴۰۵ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، از سهم شاغلان بخش صنعت حدود ۲ واحد درصد کاسته شده و بر سهم شاغلان بخش کشاورزی (۱/۴ واحد درصد) و بخش خدمات (۰/۵ واحد درصد) افزوده شده است.

اشتغال کشور به تفکیک بخش‌های اقتصادی طی بهار ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ - درصد

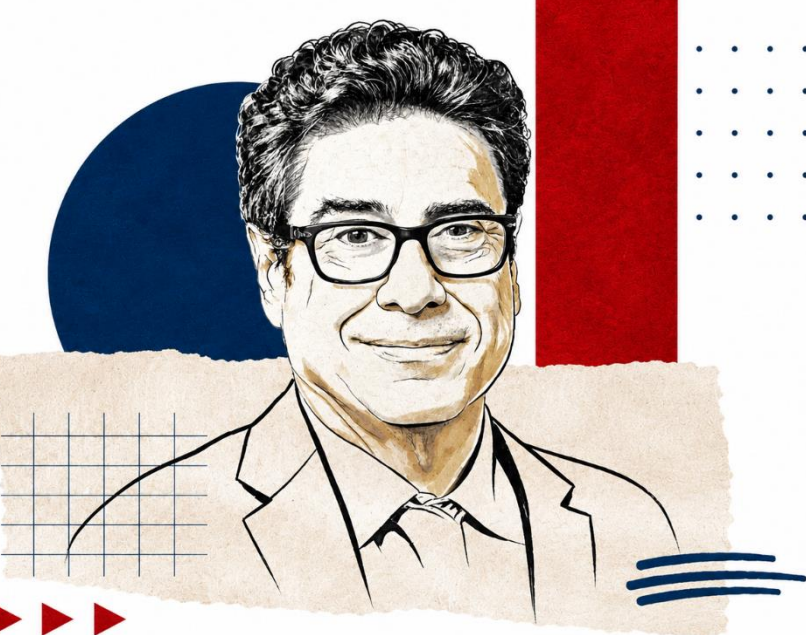


منبع داده‌ها: مرکز آمار

همچنین در بهار ۱۴۰۵، اشتغال ایجاد شده نسبت به بهار ۱۴۰۴، برای بخش خدمات و کشاورزی، مثبت و به ترتیب حدود ۱۱۱/۲ هزار نفر و ۶۹/۷ هزار نفر بوده در حالی که وضعیت برای بخش صنعت منفی و در این بخش از تعداد شاغلان حدود ۶۲۹/۴ هزار نفر کاسته شده است. بر این اساس، افزایش اشتغال در خدمات و کشاورزی نتوانسته کاهش اشتغال صنعتی را جبران کند. کاهش تعداد شاغلان و افت سهم صنعت از اشتغال کل کشور نشان‌دهنده تضعیف موقعیت این بخش در ساختار اشتغال کشور است.

پیام سیاستی

تداوم نااطمینانی‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، ضعف سرمایه‌گذاری و اختلال در فعالیت بنگاه‌ها می‌تواند ظرفیت اقتصاد ایران برای ایجاد و حفظ اشتغال مولد را بیش از پیش محدود کند؛ مسئله‌ای که آثار آن در افزایش بیکاری، کاهش مشارکت اقتصادی، افت اشتغال صنعتی و آسیب‌پذیری بیشتر زنان در بازار کار قابل مشاهده است. از این منظر، بهبود پایدار وضعیت اشتغال صرفاً با مداخلات مقطعی در بازار کار امکان‌پذیر نیست و مستلزم اتخاذ رویکردی هماهنگ در سطح سیاست‌های کلان اقتصادی و محیط کسب‌وکار است. کاهش نااطمینانی‌ها و تنش‌های خارجی، تقویت ثبات اقتصاد کلان، تسهیل سرمایه‌گذاری و تأمین مالی بنگاه‌ها، رفع موانع تولید و حمایت هدفمند از تداوم فعالیت بنگاه‌های اشتغال‌زا باید در کانون سیاست‌گذاری قرار گیرد. در کنار این اقدامات، توسعه فرصت‌های شغلی رسمی و مولد، حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط و اتخاذ سیاست‌های مشخص برای کاهش موانع ورود و ماندگاری زنان در بازار کار می‌تواند ضمن افزایش ظرفیت جذب نیروی کار، از گسترش اشتغال غیررسمی و ناپایدار جلوگیری کند.



یک اقتصاددان، یک ایده

Philippe Aghion

فیلیپ آگیون

اقتصاددانی که رشد را در **تخریب خلاق** جست‌وجو می‌کند.

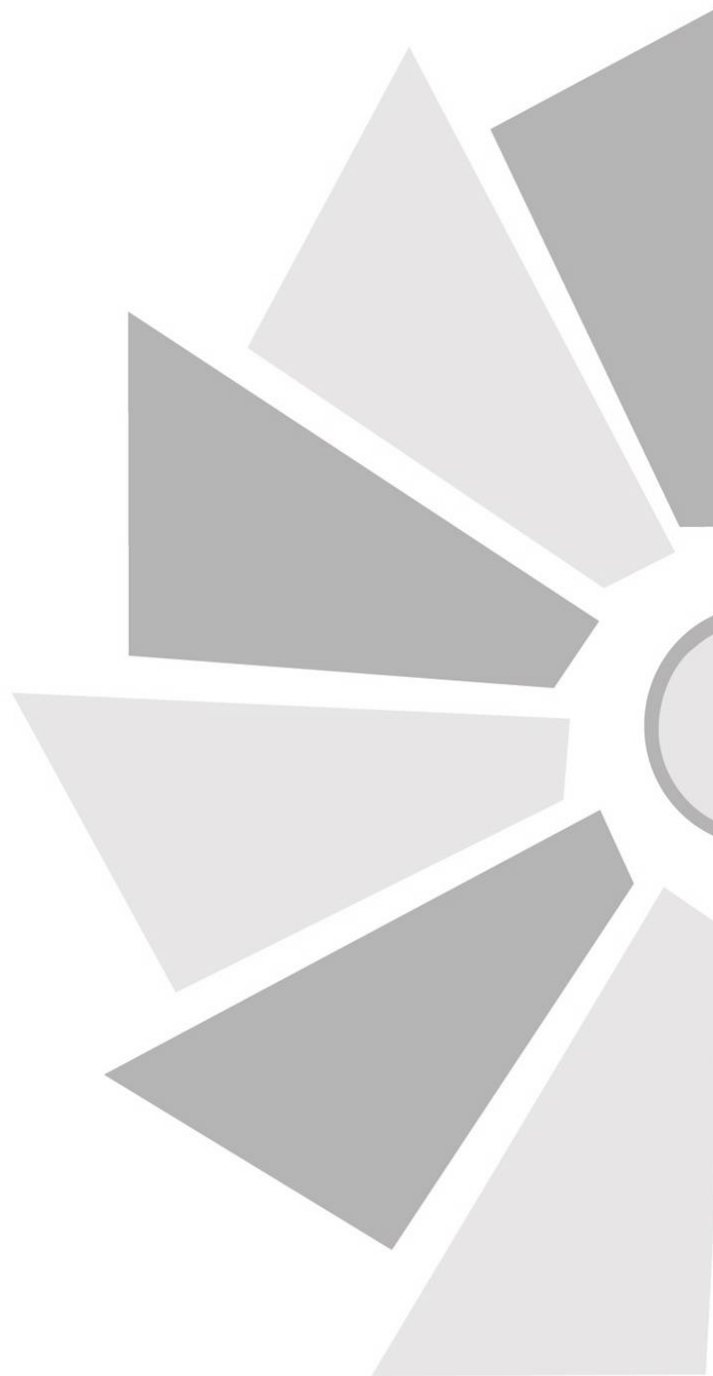
برنده نوبل اقتصاد ۲۰۲۵

اقتصاددان فرانسوی و یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران معاصر حوزه رشد و اقتصاد نوآوری است. او استاد Collège de France و INSEAD و مدرسه اقتصاد لندن است. پژوهش‌های این اقتصاددان عمدتاً بر رشد اقتصادی، نوآوری، رقابت، بهره‌وری، پویایی بنگاه‌ها و نقش سیاست‌گذاری در فرآیند رشد متمرکز است.

فیلیپ آگیون، با توسعه نظریه رشد شومپیتری، نقش نوآوری و تخریب خلاق را در تداوم رشد اقتصادی برجسته کرد. در چارچوب فکری او، رشد پایدار صرفاً حاصل انباشت سرمایه و منابع نیست، بلکه از فرآیندی پویا شکل می‌گیرد که در آن فناوری‌ها و بنگاه‌های نوآور جایگزین فعالیت‌های قدیمی‌تر می‌شوند و رقابت، آموزش، سرمایه‌گذاری در نوآوری و نهادهای کارآمد زمینه استمرار این تحول را فراهم می‌کنند. دستاورد آگیون، نگاه به رشد به عنوان فرآیندی مبتنی بر نوآوری، پویایی بنگاه‌ها و نوسازی مستمر اقتصاد است؛ نگاهی که می‌تواند برای اقتصادهای در جست‌وجوی رشد پایدار، درس‌های سیاستی مهمی به همراه داشته باشد.

این ایده چرا برای ایران مهم است؟

اقتصاد ایران طی بیش از یک دهه با رشد پایین و پرنوسان مواجه بوده است؛ وضعیتی که توجه به عوامل بنیادین و سازوکارهای شکل‌دهنده رشد پایدار را ضروری می‌سازد. از منظر نظریه رشد شومپیتری آگیون، نوآوری و تخریب خلاق زمانی می‌توانند به تداوم رشد و افزایش بهره‌وری کمک کنند که امکان ورود و توسعه بنگاه‌های نوآور، رقابت مؤثر، جایگزینی فناوری‌های جدید با فناوری‌های کم‌بازده‌تر و تخصیص منابع به فعالیت‌های بهره‌ورتر فراهم باشد. از این منظر، برای اقتصاد ایران، بهبود محیط کسب‌وکار، تقویت رقابت، کاهش موانع ورود و رشد بنگاه‌های نوآور و فراهم کردن بستر جذب، توسعه و انتشار فناوری، از الزامات مهم حرکت به سوی رشد پایدار به شمار می‌روند.



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی

تهران، ۴۵۸۶۷۱۷۴۱۱، خیابان استاد مطهری، پلاک ۲۷۵

صندوق پستی ۳۸۱۸-۱۵۸۷۵ | نمابر: ۰۲۱-۸۸۷۱۳۴۱۵-۱۶